

تنظیم و ارائه پیشنهادها و برنامه‌های سازنده، وظیفه انقلابی است

برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی، در راستای انجام این وظیفه انقلابی است.

با کلی‌گویی هیچ مسئله‌ای حل نمی‌شود. اگر فقط بگوئیم که در کشور بیکاری هست و باید بیکاری از بین برود، کمکی به رفع بیکاری نکرده‌ایم که سهل‌است، در افکار عمومی نیز نوعی بدبینی، از طریق بیان این عارضه و عدم ارائه راه درمان آن، بوجود آورده‌ایم. اگر فقط بگوئیم گرانی روز افزون است، ولی ریشه پیدایش گرانی، سبب پیشرفت آن، طریق مهار و برطرف کردن آنرا نشان ندهیم، نمک بر روی زخم پاشیده‌ایم. همانطور که با حلوا

کشور ما یا مشکلات بزرگ و مسائل مهمی رویرو است که اولاً از رژیم گذشته به جمهوری اسلامی ایران به ارث رسیده‌اند؛ ثانیاً مربوط به دوران گذار انقلابی‌اند؛ ثالثاً ناشی از جنگ تجاوزی است که بر ما تحمیل شده است؛ رابعاً نتیجه زیاده‌رویها، نادانی‌ها، اشتباهات، انحصارطلبی و قشری‌گری است. رفع این مشکلات بزرگ و حل این مسائل مهم، در همه عرصه‌های زندگی، نیاز به برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و دراز مدت، بر مبنای مطالعات دقیق و استفاده از نظریات و پیشنهادها مشخص‌شده است و صاحب نظران، سازمانها و نهادها، جمعیت‌ها و احزاب سیاسی دارند.



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۵۰ - چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۰
مطابق با ۱ رجب ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

اسناد جاسوسخانه آمریکا

خطرناک خواهد بود. منبع گفت: نهضت آزادی میخواست که در مورد منافع آمریکا در ایران گفتگو کند، تا از برخوردهای احتمالی آینده جلوگیری شود. در ضمن منبع میانه‌رو مذهبی اشاره کرد که ملاقات یا ارتش حیات بوده و گزارشات مبنی بر اختلافات در رهبری مذهبی را تایید کرد.

(افشاگری شماره ۱۰، صفحه ۳۰)
ملاقات بازرگان و سخابی با مقدم و قره‌باغی

(از سند شماره ۱۰۱۴، مورخ ۰۷/۱۱/۵۷)

۳- در ۳۰ ژانویه طی ملاقاتی با مسئول سیاسی دکتر میناچی اطلاعاتی راجع به معامله‌ای با دولت ایران که به برنامه‌های برگشت منجر میشد، تبادل شد. ژنرال مقدم (ساواک) قره‌باغی (فرمانده قوا) با مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سخابی رهبران ارشد نهضت آزادی شب ۲۹ ژانویه ملاقات کردند. متأسفانه حجت‌الاسلام بهشتی و آیت‌الله رفسنجانی (که قرار بود بیانند) آنجا نبودند. آنها از غیبت عذرخواهی کرده و گفتند که در تحصن دانشگاه تهران در اعتراض به کشتارهای ارتش در ۲۸ و ۲۹ ژانویه شرکت کرده‌اند (نظر: این در واقع دفعه دومی است که بهشتی از رودرویی با رهبران اصلی ارتش سرباز زده. ولی ظاهراً قره‌باغی دستور دارد که معامله کند، چون مشکلی پیش نیامده) هم مقدم بازرگان بعداً به میناچی گفته بودند که با وجود غیبت سران مذهبی ملاقات خیلی مفید بوده است. مردان ارتش و نهضت

بقیه در صفحه ۴

به استعفا کند. کارشناس سیاسی گفت: این کاری نیست که آمریکا بتواند انجام دهد و حتی کوشش در اینجهت خطرناک خواهد بود. حصول توافق ضروری و حیاتی است و تلاش خمینی برای برپایی دولت رقیب هنگام بازگشت خیلی

افشاگری شماره ۱۰ دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، که حاوی بخشی از اسناد بسیار مهم لانه جاسوسی آمریکاست، انتشار یافته است.

«نامه مردم» به سبب اهمیت زیاد این اسناد، که پارذیکر ماهیت آن نوع درواپلی را که میان امیرالانظام و دیگران با جاسوسان آمریکائی برقرار بوده است، افشا می‌کند، به تدریج اهم آنها را برای آگاهی مردم انقلابی ایران منتشر می‌سازد.

تلاش برای ابقای شورای سلطنت

(از سند شماره ۰۴۳۱۹، مورخ ۰۷/۱۰/۵۷، از سفارت آمریکا - تهران به وزارت امور خارجه - واشنگتن، فوری)
۸- میناچی گفت رهبران مذهبی میانه‌رو قم در مورد رفتن شاه مقداری عصبی بودند. میناچی مسئله شورای سلطنت را با علی امینی در میان گذاشته بود و فکر کرده خوب است که از روحانیون هم در این شورا باشند. او ۱۰ ژانویه با شریعتمداری ملاقات می‌کند و گفت مسئله را عنوان خواهد کرد. او مطمئن بود که مثلث قم حاضر بودند در چنین کاری کمک کنند.

(افشاگری شماره ۱۰، صفحه ۱۱)
گفتگو در مورد منافع آمریکا در ایران

(از سند شماره ۱۰۷۷۷، مورخ ۰۷/۲۲/۵۷)
۲- خلاصه: انتظام، عضو نهضت آزادی به کارشناس سفارت گفت: که نهضت آزادی مصرأ خواستار ملاقات با افسران ارشد است، تا بازگشت آرام خمینی را ترتیب دهند. نهضت آزادی می‌خواهد آمریکا، نخست‌وزیر، مجلس و شورای سلطنت را وادار

توسط رزمندگان انقلاب:

یک گردان نیروی کلاه‌سبز لشکر کرکوک
تار و مار شد

حاصل از نبرد روزهای ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت را تشریح کرد. پناپر این اطلاعیه، از ساعت ۵ صبح ۱۴ اردیبهشت در یکی از جبهه‌های منطقه دزفول دشمن اقدام به حمله کرد، که با مقاومت نیروهای رزمنده ما در این جبهه دفع

بقیه در صفحه ۴

از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همه‌جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران:

سیاست خارجی مستقل و فعال

تأمین استقلال و امنیت ملی و شرایط مناسب برای شکوفایی اقتصاد کشور بدون اجرای سیاست خارجی مستقل و فعال و متناسب با نیازهای انقلاب ایران مقتدر نیست. سیاست خارجی ایران در زمان رژیم سرنگون شده سلطنت وابسته تابعی بود از سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم جهانی. این سیاست باید از ریشه‌دگرگون شود و سیاست خارجی ایران بر اصول زیرین استوار گردد:

- ۱- برقراری مناسبات دوستانه با همه کشورهای جهان که استقلال مبین ما را به رسمیت می‌شناسند و حاضرند از تلاش خلق ما برای تحکیم این استقلال پشتیبانی کنند؛
- ۲- تلاش ایران برای شرکت فعال در جنبش غیرمتحدها؛
- ۳- هواداری ایران از اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و دفاع از صلح؛
- ۴- امتناع پیگیر ایران از شرکت در هرگونه پیمان تجاوز-کار امپریالیستی نظامی و یا شبه‌نظامی؛
- ۵- تلاش سیاسی برای آزاد ساختن خلیج فارس و دریای عمان از هرگونه دخالت نیروهای بیگانه؛
- ۶- مخالفت و مبارزه فعال سیاسی برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای نظامی تجاوزکارانه در منطقه خلیج فارس و دریای عمان به کارگردانی امپریالیستها؛
- ۷- تلاش برای انعقاد یک پیمان امنیت‌جمعی در منطقه خاور- نزدیک و میانه و سراسر آسیا؛
- ۸- حمایت همه‌جانبه از جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در کشورهای استعمارزده، به‌ویژه از جنبش خلق فلسطین، برای درهم‌شکستن سلطه نظامی امپریالیسم در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس.

نمایش ناهنجار

(در باره باصطلاح دادگاه بین‌المللی استکهلم علیه افغانستان و اتحاد شوروی)

این روزها در استکهلم، پایتخت سوئد، باصطلاح دادگاهی علیه افغانستان و اتحاد شوروی تشکیل شده است، که هدف آن دامن‌زدن به تبلیغات ضدانقلابی و ضد شوروی، بر اعتبار کردن انقلاب افغانستان و پوشاندن مداخله مسلحانه آمریکا، انگلستان، چین، پاکستان، اسرائیل، مصر، عربستان سعودی و سایر نیروهای امپریالیستی و مرتجعین منطقه در افغانستان است. نویسنده شوروی «آرئود روندربرگ» به این مناسبت مقاله‌ای نوشته، که توسط «خبرگزاری نووستی» انتشار یافته است. در زیر ترجمه این مقاله به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

در استکهلم باصطلاح دادگاهی تشکیل شده، که به رسیدگی به پرونده افغانستان، اختصاص دارد. سازمان‌دهندگان این «دادگاه» - نمایندگان باصطلاح روشنفران چپ، بورژوازی ارتجاعی افراطی، ضدشوروی‌های کینه‌توز بدنام و «آیدالیست‌های» فریب‌خورده هستند. به «دادگاه» شکل محاکمه داده شده و موضوع محاکمه، بررسی اتهام وارده به اتحاد شوروی دایره کمک به مردم افغانستان است. از چاروچنگال تبلیغاتی که برپا شده، پیداست که حکم «دادگاه» از پیش تعیین گردیده: اتحاد شوروی به «مداخله، اشغالگری و تبهکاریهای جنگی علیه مردم افغانستان» محکوم خواهد شد. بدین شکل، نمایش ناهنجار و عجیب و غریبی برای جرایم غرب، با ساز ارتجاع بین‌المللی و بخصوص امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، ترتیب داده میشود.

دربار افغانستان و انقلاب نوپای آن، مشکلات بسیاری قرار گرفته، که گاهی حتی سابقه نداشته است. ولی همه چیز حاکی از آنست که مردم افغانستان از عهده وظایفی که در مقابلشان قرار دارد، بخوبی برخوردارند. بدیهی است که قبل از همه باید به «جنگ اعلان نشده» ای که از سال ۱۹۷۸، یعنی پس از انقلاب آوریل، علیه افغانستان ادامه دارد، پایان داده شود. در این جنگ خونین، برای دستجات اشراک و رازنر علیه مردم افغانستان - دستجاتی که در غرب به درجه «بازران راه آزادی» رسانده شده‌اند - برای تبلیغات غرب، نقش مهمی در نظر گرفته شده است. باصطلاح دادگاه «افغانستان» در استکهلم باید خدمت خود را در این مقطع انجام دهد و از آن تاریک‌اندیشان قرون وسطایی، سوداگران مواد مخدر، قاچاقچیان اسلحه، ستامران قودال و اشراک که تبلیغات ارتجاعی نام مقدس «چریک» به آنها داده، پشتیبانی مستقیم کند.

در بیانیه‌ای که خطاب به «دادگاه» در جرایم سوئد منتشر شده، پشتیبانی شوروی از مردم افغانستان، پیمانہ خطری که صلح بین‌المللی را تهدید میکند، قلمداد شده است. ولی معلوم نیست که چرا در این بیانیه حتی کلمه‌ای هم از کمک علنی یا مخفی اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، ایالات متحده و انگلیس به نیروهای ضدانقلاب سخن گفته نمیشود. بر اساس منطق جملی تبلیغات غرب، این نه جنگ اعلان نشده علیه مردم افغانستان، بلکه کمک اتحاد شوروی در حمایت از اصلاحات ترقیخواهانه در یکی از عقب‌افتاده‌ترین کشورهای جهان است که صلح را تهدید میکند!

گزارش‌های واقعی و حقایق مربوط به نقش اتحاد شوروی در افغانستان مکتوم نگه‌داشته میشود. حقیقت آنست که اتحاد شوروی در دسامبر سال ۱۹۷۹، به درخواست مکرر و مبرانه دولت افغانستان و دشواری انقلاب در کابل، مبنی بر پشتیبانی نظامی برای دفع تجاوز خارجی، پاسخ مثبت داد. علاوه بر این، کمک نظامی شوروی بکلی جنبه محدود داشت.

بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی گفته شد:

مسئولان اجرائی کشور باید حتی المقدور زمینه‌های نارضایتی را کمتر کنند

★ مردم خواستار اعمال قاطعیت از ارگانهای مسئول هستند
★ وجود و گسترش شوراها باعث سروسامان یافتن اوضاع جامعه می‌شود.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، یکی از نمایندگان طی سخنانی، خواستار اعمال قاطعیت مسئولین در مقابل عوامل ضدانقلاب شد.

اولین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، محسن مجتهد شبستری، نماینده مردم تهران، طی سخنانی، با اشاره به درگیریهایی و تشنجاتی که از سوی عوامل ضدانقلاب در نقاط مختلف کشور صورت می‌گیرد، گفت:

«دشمنان داخلی با الهام از اربابان خارجی، چون از شکست نظامی ایران مایوس شدند... دست به توطئه‌ها و واکنش‌های آفرینی‌ها و آشوب و تشنج می‌زنند.»

ناطق ضمن اشاره به اینکه «از سوی مسئولان کشور اعمال قاطعیت لازم دیده نمی‌شود»، از جمله سؤال کرد: «آیا این بی‌تصمیمی‌ها و ترس از بدتر شدن اوضاع و گوش دادن به حرف این و آن، واهمه از تسلیم به شانزدهای سیاسی بعضی قلم‌بدستان و مداراهای غیر-انقلابی به بهانه حفظ آزادی، آنانرا (دشمنان داخلی انقلاب) جری‌تر و متشکل‌تر نمی‌سازد... آیا استقرار و حاکمیت قانون و رفتار با ضدانقلاب طبق مقررات زمان جنگ، که مکرر وعده و وعیدش را می‌شنویم، جز با سرکوب ضدانقلاب ممکن است؟»

ناطق همچنین با اشاره به اینکه بسیاری از افرادی که به صف «مخالفین» انقلاب می‌پیوندند، یا افرادی «ناآگاه و فریب‌خورده هستند» یا بعلاوه «زورآزمایی‌هایی که در قسمت‌های مختلف اجتماعی مشاهده

کرده‌اند، که نامساعد بودن اوضاع اقتصادی در آن سبب بسزائی دارد»، مخالف شده‌اند، از مسئولین رسانه‌های گروهی و بخصوص مسئولین صدا و سیما، جمعی از نمایندگان ایران خواست که «برنامه‌های بحث آزاد را هرچه زودتر ترتیب دهند». وی همچنین افزود: «از سایر دست‌اندرکاران و مسئولان اجرائی کشور میخواهم که حتی‌الامکان زمینه‌های نارضایتی را کمتر فراهم کنند و در انتخاب مجریان و کارمندان دقت بیشتر بخرج دهند.»

ناطق گفت: «مردم از مجلس شورای اسلامی انتظار دارند، سرعت عمل بیشتری نشان داده و لوایح اساسی مانند لوایح احزاب و گروهها و مطبوعات راه‌چیزودتر تصویب و تکلیف همگان را روشن کنند.»

ناطق بعدی قبل از دستور، اسدلی‌نیا نماینده اهواز بود که، با اشاره به جنایات تجاوزگران صدامی در جبهه‌های جنگ، از ترور حسین پژوهنده، سرپرست دانشکده علوم اهواز و عضو شورای بسیج مستضعفین این شهر، توسط عوامل ضدانقلاب سخن گفت و این عمل را جنایتی همانند «جنایات صدام» دانست.

حجت‌الاسلام‌خلخالی، نماینده مردم قم، نیز به عنوان اخطار قانونی و با استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خواستار پاسخگویی سریع مسئولین به سئوالات نمایندگان مجلس شد.

حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی در پاسخ، ضمن اشاره به بعضی کارهای فوری که در دستور مجلس قرار می‌گیرد، از نمایندگان

خواست که بعضی از سئوالات را بصورت تذکر به مسئولین بدهند.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و طرح عده‌ای از نمایندگان درباره «بنیاد امور جنگ‌زدگان» در حضور شورای نگهبان به بحث گذاشته شد. طبق این طرح برای رسیدگی به مشکلات اقتصادی، بهداشتی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جنگ‌زدگان، بنیادی، که دارای شخصیت حقوقی است، زیر نظر معاون نخست‌وزیر تشکیل می‌شود. درباره این طرح چندتن از نمایندگان بعنوان موافق و مخالف سخن گفتند. در پایان بحث، مخبر کمیسیون داخله به سئوالات پاسخ گفت و پس از توضیحات میرسلیم، نماینده وزارت کشور، درباره کلیات این طرح رای گیری شد و به تصویب رسید.

آنگاه بحث در مورد جزئیات این طرح آغاز شد و پیشنهادها نمایندگان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در ادامه این بحث، نصراللهی نماینده آبادان، ضمن تأکید بر ضرورت وجود «شورائی»، که در این طرح گنجانده شده است، از جمله گفت:

«ایجاد و گسترش شوراها، موجب سروسامان دادن بهتر به اوضاع و احوال جامعه و خنثی کردن توطئه‌هاست، که متأسفانه هنوز بطور جدی به آن نپرداخته‌ایم. بایستی تلاش کنیم این اصل مهم را در همه امور خود جاری کنیم.»

بعلاوه پایان وقت مجلس، ادامه بحث در مورد جزئیات این طرح، به جلسه فردا موکول شد. همچنین در این جلسه ۲ لایحه از سوی دولت به مجلس تقدیم و به کمیسیونهای مربوطه ارجاع شد.

تنظیم و ارائه...

نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

چگونه؟ برای پاسخ به این «چگونه» کار عظیمی بایست صورت گیرد، تا اولاً نیاز جامعه به مشاغل گوناگون مشخص شود؛ ثانیاً بر آن مبنا امکان اشتغال به کار برای همه افراد فراهم گردد؛ ثالثاً شرایط برای تحقق این امکان ایجاد گردد؛ رابعاً بر اساس استفاده از این شرایط، همه افراد به کار جلب و به کار گمارده شوند. هر کدام از این بندهای چهارگانه، عرصه فعالیت بزرگی است.

یا مثلاً میدانیم که یکی از مسائل بزرگ مبتلابه کشور، مسئله تامین مسکن برای اهالی است. در قانون اساسی تصریح شده است که: «تأمین مسکن مناسب بانیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است، با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، بخصوص روستائین و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.»

طبق این اصل قانون اساسی، بایند نیاز روستائین و کارگران به مسکن بعنوان ایجاد زمینه تامین مسکن برای همه نیازمندان، در درجه اول، برآورده شود. ولی برای اینکار برنامه‌ای لازم است، که در آن همه امکانات در این عرصه مشخص شود و نحوه تبدیل این امکانات به واقعیت مسکن برای زحمتکشان روستا و شهر، ارائه گردد.

یکی از مضرات بزرگ تشنج، سایه‌افکندن بر روی این وظیفه، اختلال در انجام آن است. با آرامش سیاسی بهتر و بیشتر روشن میشود که وظیفه اصلی در رفع مشکلات و حل مسائل، تدوین و ارائه برنامه‌های سازنده برای رفع دشواریها و بخطر نوسازی انقلابی کشور است. دیدی است که تنظیم و تدوین برنامه‌های سازنده باید بر مبنای قانون اساسی باشد. در قانون اساسی هدفها مشخص شده‌اند، ولی برای رسیدن به آنها باید برنامه‌های مشخص داشت. مثلاً در قانون اساسی تصریح شده است که: «دولت موظف است با رعایت

يك گردان ...

بقیه از صفحه ۱

در منطقه غرب اهواز، با آتش نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران روی یکانهای دشمن، بیست تن از سربازان عراقی به هلاکت رسیدند. در جبهه آبادان در نتیجه اجرای آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران يك تانک، يك تفنگ ۱۰۶، يك ساختمان محل تجمع دشمن، چندین سنگر انفرادی و چند قبضه آر.بی. جی. ۷ نابود و ۹۰ نفر از نیروهای متخاصم کشته و زخمی شدند. در جبهه آبادان، سدهای ماهشهر، نیز بیست تن از قوای دشمن به هلاکت رسیدند.

جنايتكاران رژیم صدام آمریکائی در دو روز گذشته نقاط مسکونی شهرهای آبادان، اهواز، دزفول را با آتش توپخانه و خمپاره‌انداز هدف قرار دادند. در جریان این حملات وحشیانه علاوه بر خسارات مالی و تخریب واحدهای مسکونی تعدادی از هوپلطان عزیز ما در شهرهای مزبور شهید و مجروح شدند. جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران روز ۱۴ اردیبهشت نیروهای دشمن را در منطقه جعفر در جنوب سوسنگرد مورد حمله قرار دادند و خسارات و تلفات قابل ملاحظه‌ای به دشمن وارد آوردند. يك ستون خوددرو دشمن که در جاده فار - بصره در حرکت بود هدف آتش یکانه‌های دلاور نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و تلفات سنگینی به آنها وارد و از ادامه فعالیت‌هایشان جلوگیری بعمل آمد.

در ارتفاعات پیررستم مریوان، هنگامیکه دشمن مبادرت به پیاده کردن نیرو میکرد، به وسیله رزمندگان ارتش و سپاه پاسداران محاصره شد و زیر آتش سلاح‌های مدافعان انقلاب قرار گرفت. در این عملیات غافلگیرانه حد اقل یکصد تن از سربازان صدام به هلاکت رسیدند و تعداد زیادی زخمی شدند و حداقل ۲۳ تن به اسارت درآمدند. همچنین در این عملیات يك گردان نیروهای

کمک مالی به حزب توده ایران، يك وظیفه انقلابی است!

| | |
|------------------------|------------|
| سازمان حزب | |
| از بندرت رکن | ۱۰۰۰۰ ریال |
| هواداران حزب | |
| در بندر گز | ۱۷۰۰۰ ریال |
| چند هوادار حزب | ۴۶۰۰ ریال |
| علی و بهناز | |
| از بندر گز | ۸۵۰۰ ریال |
| مسعود از کرمان | ۲۰۰۰ ریال |
| م. حیدری (کمک سه ماهه) | |
| ۱۵۰۰۰ ریال | |
| عارف. ق به حزب پدرش | |
| ۱۰۰۰ ریال | |
| فرشید. الف. ف | ۲۰۰۰ ریال |
| خانم ی. ح | ۲۰۰۰ ریال |

مردمی ایران، مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی، نتیجه احساس مسئولیت حزب ما در برابر خلق ما و انقلاب ما و در راستای انجام این وظیفه انقلابی است.

به گمان ما همه باید در این راه کوشش کنند تا رفع مشکلات و حل مسائل ممکن شود، تا نوسازی کشور بسود زحمتکشان آغاز گردد و به جریان افتد، تا مردم ما احساس و لمس کنند که آینده بهتری در انتظار آنهاست، تا اعتقاد مردم به انقلاب، انقلاب کرخ نشینان علیه کساح‌نشینان - مستحکم‌تر و رزمنده‌تر گردد.

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران در بروجن به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران رفقای شما در سازمان بروجن حزب توده ایران، با شغف و افتخار، از خبر تشکیل هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب شما مطلع شدند. به مناسبت و به مناسبت انتخاب شایسته مجدد رفیق کیاوری بعنوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، این رفقا، گرمترین درودهای رفیقانه و صمیمانه‌ترین تبریکات خود را به دبیران منتخب پلنوم، اعضاء هیئت سیاسی، رفقای کمیته مرکزی و از آن طریق به همه اعضاء و هواداران رزمنده حزب تقدیم می‌دارند.

رفقای شما در سازمان بروجن حزب بدینوسیله به شما اطمینان میدهند که نه تنها اهمیت تشکیل پلنوم هفدهم و دستاوردهای موفقیت آمیز آنرا در چنین دوران جوشان و پرتلاطم کشورمان، بدرستی درک می‌کنند، بلکه آرزومند آنند که شما یقین داشته باشید که این رفقا، به مسئولیتها و وظائف خود در برابر تصمیمات دوران ساز پلنوم و برنامه مصوبه آن بخوبی آگاهند و صبور و رزمنده، در جهت تحقق اهداف آن خواهند کوشید، تا نشان دهند که شایسته نام توده‌ای هستند.

اسناد جاسوسخانه...

بقیه از صفحه ۱

آزادی در تقسیم کار برای استقبال از خمینی بتوافق رسیدند (ارتش باید از فرودگاه و جاده‌ای که به شهباد منتهی میشد، حفاظت کند و نهضت آزادی امنیت بعدش را بعهده داشته باشند) و گروه موافق بودند که ملاقاتهای دیگری هم در روزهای آینده مورد لزوم است. بقول میناچی افراد ارتش گفتند که با تغییرات سیاسی ضروری موافق هستند و ارتش در صورتی تغییرات اینها را قبول میکند که در چهارچوب قانون اساسی باشند. ۴- تحلیل و نظر: هم میناچی و هم انتظام مطمئن بودند که خطر اولیه برخورد بین ارتش و نهضت مسلمانان به اندازه قابل توجهی کاهش پیدا کرده. هیچکدام نمی‌توانستند اطمینان دهند که خمینی جمهوری اسلامی اعلام نکند و بدین ترتیب مقابله سیاسی را برانگیزد، ولی میناچی فکر میکرد خمینی با دیگر علمای از اعلام مواضع قاطع توافق کامل کرده است. انتظام گفت که برخلاف توصیه نهضت آزادی خمینی تصمیم به برگشتن به ایران را گرفته بود.

(افشاگری شماره ۱۰، صفحه ۴۳ و ۴۴)

مخصوص کلاس سبز جمعی لشکر ۷ کرکوک به کلی تارومار شد و يك فروند میک عراق با آتش پدافند هوایی مورد اصابت واقع شد و در خاک عراق مقابل مریوان سقوط کرد. در این عملیات غنائمی از قبیل تجهیزات مخابراتی - کلاشینکف، آر. بی. جی ۷ و مهمات زیادی بدست قوای خودی افتاد و یکصد و پنجاه مین ضد نفر نیز کشف و خنثی شد.

در جبهه‌های مهران و ایلام نیز يك خودرو و يك تفنگ ۲، ۱۰۶ سنگر سلاحهای سنگین، ۳ سنگر گروهی و يك میدان مین دشمن منهدم شد و ۹ تن از افراد دشمن متجاوز کشته و یا زخمی شدند.

انقلاب فرهنگی و مارکسیسم

در حاشیه یک مقاله روزنامه «جمهوری اسلامی»

ال‌دین طوسی، اندیشه‌پرداز کبیر تشیع، به پیروی از ابوعلی سینا (که او هم فیلسوف شیعه بود) مشاعی می‌اندیشید، ولی به معنویات ایقان داشت. اما مارکسیسم برای معنویات و از آنجمله فرهنگ در تکامل اجتماعی، نقش عظیم و درموردی تعیین‌کننده قائل است، والا این امر در حکم نفی خویش و نفی رهبری فکری و فرهنگی جامعه بود. در اینباره نیز به ردکنندگان مارکسیسم توصیه می‌کنیم که لااقل مقاله «درباره پویایی بینش مارکسیستی» را در ضمیمه تئوریک «نامه مردم» (دنیای شماره ۸، سال ۵۹، صفحه ۳۷) مطالعه کنند، تا ببینند که آیا مارکسیسم «قافیه پرداز» و «قالبی اندیش» است یا نه.

مانعی خواهیم این نوشته را با تکرار مقالاتی، که بدانها اشاره کردیم و مراجعه دادیم، و بر از نقل قولهای روشن‌کننده از متفکران بزرگ مارکسیسم است، سنگین و مفصل کنیم. وقتی اسلام به شما می‌گوید: «اطلبوا العلم ولو بالصلین»، یعنی شمارا از خواندن آثار دیگران منع نمی‌کند، برعکس شما را به تفحص و کنجکاوای فرامی‌خواند.

ما از هیچکس این توقع بیجا رانداریم که با مارکسیسم یا با بینش حزب مابارزه منطقی نکند، ولی قرآن توصیه می‌کند: «ارغالی سبیل ریک بالحکمه والموعظه الحسنه و جادلهم باللیتی هی احسن». شما وظیفه شرعی دارید بهترین، مودب‌ترین و موثق‌ترین اشکال مناظره را بیاپید. این در باب است اخلاق اسلامی است. و اگر قلم انداز، هر چه دلتان خواست به مخالف نسبت دهید، در این امید که «الحاد» رازدمی کنید، سرانجام اعتماد نسبت به انصاف و آگاهی و بصیرت خود را از دست خواهید داد.

ولی از دیدگاه جهان بینی انقلابی مارکسیسم، در شرایط زندگی و نبرد رنجبران و در دوران حاکمیت ایشان، چنین است، محتوی فرهنگ پرولتاری (ر. ک. به کلیات آثار لنین - جلد ۳۱ صفحه ۲۶۹ و نیز جلد ۲۹ صفحه ۴۶) آنچه که مارکسیت‌های اصیل در «انقلاب فرهنگی» ما تئورستی انتقاد کردند، جنبه ذهنیت سیاسی، جنبه نفسی آمیز آن نسبت به فرهنگ گذشته بشری بود و نه «عینیت» انقلاب فرهنگی، که هیچ انقلابی در جهان بدون آن نمی‌تواند پاقرص کند و راه‌بگشاید.

بعلاوه، مفید است که «ردکنندگان مارکسیسم» لااقل برنامه اخیر حزب توده ایران مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی را، که در بند ۵ و ۶ خود، آموزش و پرورش و فرهنگ اجتماعی را مطرح می‌کند، مطالعه کنند. آیا آن پیشنهادها دلیل آنست که ذهن «قافیه‌پرداز» و «قالبی‌ما برای» انقلاب فرهنگی «در خارج عینیت قائل نیست؟ آیا خود این مقاله حاضر دلیل برنا - درست بودن دعاوی مطروحه نیست؟

این حکم مضحک، که چون مارکسیسم از دیدگاه عمومی فلسفی و بر - جهان بیجان بر جاندار معتقد است و بر آنست که جهان جاندار از درون جهان

بیجان نشاءت کرده، پس ابدا نقشی برای امور روحانی و عقلی و فرهنگی قائل نیست، بهتان مبتذل کهنه‌ایست که از زمان مارکس بوسیله دشمنان آموزش وی مطرح شد و دائما بوسیله او و انگلس و لنین به شدت رد شد.

فلاسفه مشائی ما هم به «قدم ماده» معتقد بودند، ولی این معنای نفخ آنها از اهمیت معنویات نبود. خواه نصیر -

روزنامه «جمهوری اسلامی» در تاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۶۰، مقاله‌ای در صفحه اول خود نوشت تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» در ابتدای مقاله از جمله

این جملات را می‌خوانیم: «مارکسیسم بالمجموع در ایران و جهان، چیزی را بنام انقلاب فرهنگی قبول ندارد. علاوه بر این، تجربه انقلاب فرهنگی ما تئورستی در چین، پیش از پیش، ذهن قافیه‌پرداز و قالبی مارکسیست‌ها را بر این اندیشه جزم کرده است که انقلاب فرهنگی در خارج عینیت نخواهد یافت. اما پیش از آنکه تصفیه‌ها و اعدادم‌های دارودسته‌چهار نفری، زیر عنوان انقلاب فرهنگی در چین، دخیل اصلی پروژاین نوع تفکر در مارکسیسم باشد (؟) اصولا جهان بینی و فلسفه تاریخی مارکسیستی بصورتی است که ثمره طبیعی و معمولی آن، همینگونه عقاید و آراء است!»

بدنبال این مطالب عجیب، مطالب عجیب‌تری می‌آید، حاکی از آن که چون مارکسیسم جهان بینی «الحاد و ماده‌گرا» است، لذا «اندیشه و تفکر و تعقل را تابعی از تکامل و پیشرفت مواد میدانند» و بنا بر این در این دیدگاه، امکان عینیت انقلابی بنام انقلاب فرهنگی موجود نیست!

ظاهرا برخی‌ها هر وقت نوبت به مارکسیسم می‌رسد، گویا این بیت مولانا جلال‌الدین مولوی را شعار خود قرار میدهند:

«هیچ آدابی و ترتیبی مجوی هر چه می‌خواهد دل تنگت بگوی

ولی برخلاف تصور این افراد، که قاعدتاً باید ناشی از عدم علاقه نهایه بررسی مباحثی باشد که آنرا با این شدت و حتی خشونت رد می‌کنند و نتیجه برخورد بدون مسئولیت آنهاست در مناظرات و مباحثات با مخالفان فکری، اتفاقا مارکسیسم درست آن جهان بینی است که مسئله «انقلاب فرهنگی» را در کنار انقلاب‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نخستین بار مطرح ساخته و آنرا جزو لاینفک و ضرور نوسازی نظام اجتماعی دانسته است. مادراین باره، هم در خود «نامه مردم» و هم در ضمیمه تئوریک آن (شماره پنجم «دنیای»، سال ۱۳۵۹، صفحه ۶۹) توضیح مفصل داده‌ایم. ولی بنظر می‌رسد که «ردکنندگان مارکسیسم» آنرا خوانده‌اند و ظاهرا احتیاجی هم احساس نمی‌کنند که مارکسیسم را در سندی آن بررسی کنند، زیرا اگر آن مطالب را خوانده بودند و از نظر وسیع و نقشه‌های همه - جانبه مارکسیست‌ها درباره «انقلاب فرهنگی» خبردار می‌شدند، شاید مسائل را به جداطلاعات «بولواری» و «هیجان انگیز» روزنامه‌ها درباره «باند چهار نفره» و انقلاب فرهنگی قلابی‌ما (که هدفش تنها سرکوب مخالفان شخصی بود) - تنزل نمی‌دادند و طرف را جادی ترمی - گرفتند و او را آنقدر ابله و مبتذل نمی - پنداشتند.

بسیار خوب! میل شماست! ولی یک چیز مسلم است: اگر مطلبی متضمن حقیقت باشد، سکوت گذاشتن و یا مسخ کردن خود سرانهاش در طول مدت اثری ندارد و پرتوهای خورشید از ضخیم - ترین لایه‌های ابرسیاه، با انوار ثاقب خویش می‌گذرند.

لنن «انقلاب فرهنگی» را یکی از شرایط اساسی ساختمان جامعه نوین سوسیالیستی میدانند (رجوع کنید به کلیات لنین، جلد ۳۳، صفحه ۴۳۵) و نیز مینویسد:

«همه دستاوردهای فرهنگ باید در دسترس همگان قرار گیرد و از این پس هرگز خرد و نبوغ انسانی نباید بوسیله ستمگری یا بهره‌کشی بدل شود.» (کلیات آثار - جلد ۲۶ - صفحه ۴۳۶)

لنن در قبال کسانی که یک فرهنگ پرولتری «قالبی، متضمن نفی و خوار - داشتن آثار فرهنگی گذشتگان اختراع کرده بودند، می‌نویسد:

«نه فرهنگ پرولتری «من - درآوردی، بلکه قبول بهترین نمونه‌های سن و نتایج فرهنگ موجود انسانی،

حفظ امنیت دانشگاه‌ها را

به دانشجویان و دانشگاهیان

مؤمن به انقلاب بسپارید

چهار و پنج برای ایجاد تشنج و درگیری قرار خواهد گرفت و در نتیجه نقض غرض خواهد بود. بنظر ما، تنها راه مدبرانه، واگذاری حفظ نظم دانشگاه به دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی و مؤمن به انقلاب است.

چنانکه قبلا نیز یادآور شده‌ایم، میتوان در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها کنگره‌ای از نمایندگان گروه‌های مختلف دانشجویی و دانشگاهی و فادار به انقلاب تشکیل داد. این مجمع بزرگ برای خنثی ساختن فعالیت‌های ویرانگرانه گروه‌های تفرقه و تخریب، تدابیری خواهد اندیشید و با تصویب ضوابط و مقررات، و از جمله آئین نامه انضباطی و انتخاب شورای نمایندگان گروه‌های مختلف دانشجویی و دانشگاهی، حفظ نظم و آرامش را در محیط دانشگاه‌ها بر عهده این هیئت منتخب خواهد گذاشت. شورای نمایندگان با اجرای مقررات مصوب کنگره، که مورد پشتیبانی اکثریت قاطع دانشجویان و دانشگاهیان خواهد بود، بخوبی قادر به جلوگیری از اجرای نقشه‌ها و توطئه‌های ضد انقلاب و تحریکات و نفاق - افکنی‌ها، خرابکاری‌های گروه‌های راست افراطی، چهار و پنج خواهد بود.

دانشگاه‌ها با پشتوانه‌ای از سنت‌های درخشان مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع یکی از سنگ‌های دفاع از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر دسیسه‌های امپریالیسم، بسرکردگی امریکا است. توطئه‌های ننگین گروهک‌های ضد انقلابی و منحرف هرگز قادر نیست دانشگاهیان را از راه دفاع از انقلاب و جمهوری منحرف سازد. رویدادهای یکسال اخیر در استان - ها و دبیرستان‌ها اثبات کرده است که اگر نیروهای انقلابی و مردمی «هشیار و متد» باشند، ضد انقلاب هیچ غلطی نمیتواند بکند. امپریالیسم و ضد انقلاب کوشیدند عرصه مدارس را به میدان تاخت و تاز گروهک‌های آشوب و تشنج بدل سازند. ولی علیرغم همه دسیسه‌ها، دانشآموزان مؤمن به انقلاب، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، همراه با مربیان و آموزگاران مؤمن به انقلاب، توانستند این توطئه‌ها را عقیم گذارند و نظم و آرامش را در مدارس مستقر سازند. اگر نوجوانان دانش آموز، که کم تجربه‌تر و جوان تر هستند، خود قادر به حفظ نظم انقلابی در مدارس شدند، دلیل ندارد که دانشجویان و دانشگاهیان مجرب توان مقابله با ضد انقلاب را نداشته باشند.

باید باور داشت که اگر حفظ نظم و آرامش دانشگاه‌ها با شیوه‌های منطقی به گروه‌های متحد دانشجویان و دانشگاهیان مؤمن به انقلاب سپرده شود، گروهک‌ها هیچ کاری از پیش نخواهند برد. زیرا صف متحد دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی، سیری است آهنگین در برابر هرگونه آشوب و نفاق افکنی. باید به دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی اطمینان کرد، آنان را صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی زیر یک پرچم، «یک شعار، یک هدف، که همبستگی و اتحاد در مقابله با ضد انقلاب و پاسداری از دستاوردهای انقلاب است، گرد آورد و برقراری نظم و آرامش انقلابی را در دانشگاه‌ها به آنان سپرد. آنها بی تردید پیروز خواهند شد.

به توصیه امام خمینی، قرار است دانشگاه‌ها و بویژه آن رشته‌هایی که در درجه اول مورد نیاز مملکت هستند، کار خود را در زمانی هر چه کوتاه‌تر آغاز کنند. از مصاحبه‌های جمعی و فردی اعضا «ستاد انقلاب فرهنگی» با رسانه‌های گروهی نیز چنین مشهود است که حداقل چند دانشگاه در آغاز سال تحصیلی گشایش خواهند یافت.

دانشگاه‌ها زمانی تعطیل شدند که تحریکات از جانب گروه‌های راست افراطی، چهار و پنج، موسسات آموزشی را به عرصه درگیری و رویارویی گروه‌های مختلف بدل کرده بود. و اکنون که صحبت از بازگشایی مجدد دانشگاه‌هاست، باز همان تحریکات از جانب گروه‌های راست افراطی، چهار و پنج، که همین نیروها، هر کدام با انگیزه‌های ویژه خویش، فضای دانشگاه‌ها را متشنج کنند و مانع از آموزش و فراگیری در جوی آرام شوند.

رویدادهایی که چندی پیش در تهران، به مناسبت سالگرد تعطیل دانشگاه‌ها با وقوع پیوسته و باکمال تأسف منجر به کشته شدن سه نفر و زخمی شدن دهها نفر شد، نشان میدهد که بازگشایی دانشگاه‌ها میتواند از جانب گروه‌های راست افراطی، چهار و پنج، بهانه درگیری و فاجعه آفرین باشد.

ضد انقلاب سازمان یافته، ساواکی - ها، ما تئورستی‌های آمریکایی و گروهک - های همزادشان، همراه با لیرال‌های وطنی نمی‌خواهند کشور آرام گیرد. برای آنها هر اتفاق سیاسی و غیر سیاسی، عمده و غیر عمده، بهانه‌ای است برای ایجاد تشنج و دامن زدن به جو آشوب، تا زمینه را برای تحقق نقشه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا آماده سازند.

از سوی دیگر، گروه‌های انحصارگر و قشری نیز بجای آنکه مقابله با اقدامات گروهک‌های ضد انقلابی و نیروهای تفرقه و نفاق را به عهده مقامات مسئول بگذارند، خود وارد عرصه می‌شوند و در نتیجه کار به زد و خورد می‌کشند. رخنه ضد انقلاب و ساواکی‌ها در میان این گروه‌ها کاملاً مشهود است. زیرا خواست ضد انقلاب فتنه انگیزی و آشوبگری است و این هدف پلید را بر هر نقاب و هر لباسی دنبال میکنند.

بازگشایی دانشگاه‌ها مسأله - انقلاب سازمان یافته، ساواکی‌ها، گروهک‌های ما تئورستی - آمریکایی و نیز عناصر وابسته به لیرال‌ها و همه مخالفان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواهند کوشید تا مانع از استقرار نظم و آرامش انقلابی در دانشگاه‌ها شوند و زمینه‌های تشنج و درگیری را فراهم کنند.

نباید چنین پنداشت که میتوان به کمک نیروهای مسلح نظم انقلابی را در دانشگاه‌ها مستقر ساخت. نباید گمان برد که میتوان با توسل به زور، گروهک‌های ضد -

انقلابی را در دانشگاه منکوب ساخت. استفاده از نیروهای مسلح و توسل به زور در دانشگاه بازم مورد سوء استفاده ضد انقلاب و گروه‌های راست افراطی،

برقرار باد اتحاد همه نیروهای

ضد امپریالیسم و مکر انبیاک

ایران، در جبهه متحد خلق!



در حاشیه جشن اول ماه مه

الگوی کار مدیران انقلابی:

تجهیز همه نیروها برای دفاع از انقلاب، تلاش در جهت افزایش تولید

هیات مدیره شرکت خدمات پارس، طی نامه‌ای اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان جهان را به کارکنان این شرکت تبریک گفته است.

در پایان این پیام، هیات مدیره اظهار امیدواری کرده است که روز کارگر امسال، سرآغاز سال سلامتی رهبر بزرگ انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی باشد.

از گفتگوی خبرنگاران «نامه مردم»

با کارگران وزحمتکشان

استادولی، مکانیک تعمیرگاه جنرال (بندرعباس): درباره انقلاب

"انقلاب هنوز تمام نشده. باید آمریکا را بیرون کنیم و در سطح جهان افزایش کنیم. از توطئه‌ها نباید ترسید. ضد انقلاب سعی می‌کند از اشتباهات ریز و درشت ماسوا استفاده کند و بر سر راه مانع اندازی کند. فقط با حفظ اتحاد علیه آمریکا، همه نقشه‌های دشمن خنثی می‌شود. کارگران فرو شو محتر و سرمایه داران بزرگ غارتگر پایه‌های محکم ضد انقلابند، باید با قاطعیت جبهه آنان را درهم شکست.

درباره ضدانقلاب "ضدانقلاب گوش بزرگ است. ولی ما با هشیاری و اتحاد خود، دولت هم با عملگردها و انقلابی‌اش، هر توطئه را خنثی خواهیم کرد.

درباره تولید "تولید باید افزایش یابد. برای بالا بردن تولید باید کارخانه‌ها و شرکت‌های خصوصی هر چه بیشتری شوند. کارگران هم باید لگرمی کارکنند.

"البته دولت نسبت به یکسال قبل خیلی قاطع تر شده است. ولی باید بازرگانی خارجی را هم سریع ترمیمی کرد و کمبودها و گرانی را از میان برد. درباره جنگ تحمیلی

"معلوم است که جنگ را آمریکا برنامه ریزی کرده است. همه باید از وطن انقلابی خود دفاع کنیم. اگر در جبهه

شرکت «پرسیزیون» را از حالت رکود بدر آورید!

افزایش دهد. ضمناً کارگاه دستگاه قابلیت تغییر اندازه به بعد ۱۵×۱۵ یا ۲۵×۲۵ را دارد. همچنین دستگاه "ساب" در جوار آن، موزائیک‌های ساخته شده را ساب میزند و ماده استفاده می‌کند. این کارگاه با استفاده از جمع کارکنان تعاونی شروع بکار کرد و هنوز معلوم نیست به چه طریق با آنها قرارداد خواهد بست. چنین به نظر می‌رسد که این کارگاه بتواند، بدون توجه به مسئله بیمانی بودن کارگران، با بازدهی هزینه معقول بکار خود ادامه دهد.

بخشد. این مسئله مورد اعتراض استانداری، فرمانداری و مرکز گسترش قرار گرفت و به همین جهت از طرف استانداری مدیریت جدیدی برای شرکت در نظر گرفته شد. اعضا و مدیریت جدید، چون قبلاً در مراکز گسترش استان فعالیت می‌کردند، تصمیم دارند که ارتباط شرکت را با مرکز گسترش محکم‌تر کنند و گروهی را با مشغول بکار اجباراً برای ثبت رسمی به مرکز گسترش اعزام دارند.

کارگاه‌های تولیدی

۱- کارگاه بلوک‌زنی: این کارگاه، یکی از کارگاه‌های تدارکاتی است که با حدود سی و سه نفر پرسنل استخدامی مشغول به کار است. در این کارگاه روزانه بطور متوسط ده هزار قالب بلوک به ضخامت‌های ۱۵ و ۱۰ سانتیمتری تولید می‌شود. مصالح مصرفی آن شن و بزماسه و سیمان است و بعلاوه در اختیار داشتن سنگ شکن و سیمان، کمبودی در مورد مواد اولیه وجود ندارد. کارگاه بلوک‌زنی می‌تواند در صورت تامین آب مصرفی تولید روزانه خود را تا ۲۵ الی ۳۰ هزار بلوک افزایش دهد. نکته قابل توجه اینکه مقدار بلوک تولیدی این کارگاه، با توجه به پرسنل موجود و در اختیار داشتن مصالح از نظر هزینه در حد متوسط قرار دارد. بنابراین بیمانی کردن کارگاه هیچگونه امتیازی برای شرکت در پی نداشته است.

۲- کارگاه سنگ‌شکن: در حال حاضر این کارگاه با ظرفیت محدود مشغول به کار است و می‌تواند به راحتی احتیاجات پروژه را تامین کند. دو کارگاه سنگ‌شکن شرکت، یکی در مسجد سلیمان و دیگری در شوش قرار دارند، که دومی بیشتر ماسه شسته رودخانه‌های برای کارگاه تهیه می‌کند و پرسنل آن نیز، که قبلاً در جبهه سازندگی شوشتر کار می‌کردند، اسخدا می‌هستند.

۳- کارگاه آکسیژن: این کارگاه احتیاج به پرسنل زیادی ندارد و تولید روزانه آن حدود یکصد و پنجاه کیسول است، که با توجه به شرایط مناطق جنگی، در سطح استان از اهمیت زیادی برخوردار بود، که متأسفانه بر اثر انفجار یکی از بین رفت.

۴- کارخانه آسفالت: این کارخانه ظرفیتی در حدود یکصد و پنجاه تن در ساعت دارد. متأسفانه پس از پیروزی انقلاب، بعلاوه کارکنان شخص بی اطلاع در راس کارخانه و دستکاری در دستگاه تمام اتوماتیک، عملاً کارخانه از کار افتاده است و افراد جدیدی هم که عهده‌دار راه‌اندازی کارخانه شده‌اند، نمی‌توانند کاری انجام دهند.

۵- کارگاه موزائیک‌سازی: این کارگاه اخیراً کار خود را از سر گرفته است و در حال حاضر روزانه موزائیک فرنگی هزارهفتصد قالب موزائیک فرنگی ۳۰×۳۰ تولید می‌کند. این کارگاه می‌تواند، در صورت احتیاج، ظرفیت خود را تا سطح روزانه پنج هزار قالب موزائیک

پروژه هوانیروز مسجد سلیمان شامل پایگاه و منازل مسکونی هوانیروز و تاسیسات جنبی، از قبیل تصفیه‌خانه گدارلندر و منابع آب و چند ساختمان جنبی است. انجام کارهای مربوط به این پروژه در سال ۱۳۵۴ به یک شرکت خصوصی ساختمانی بنام "پرسیزیون" واگذار شد. پس از پیروزی انقلاب، مدیرعامل و سهامداران شرکت متواری شدند و از طرف دولت وقت یک نفر مدیرعامل عهده‌دار امور شرکت شد. این شرکت برای انجام کارهای خود از اداره مهندسی ارتش - مجری طرح - تقاضای اعتبار مالی کرد، ولی با این خواست مشروع شرکت مخالفت شد. این مسئله باعث شد که شرکت نتواند به حیات خود ادامه دهد. در ضمن وضع شورای کارکنان هم، که در عملکردهای خود دچار اشتباهاتی شده بود، مزید بر علت شد و با تعطیل شدن کارگاه، حدود هزار و هفتصد نفر از کارگران و کارکنان شاغل آن بیکار شدند.

پس از تعطیل شدن کارگاه، استانداری خوزستان عهده‌دار امور شرکت شد و با تامین اعتبارات لازم، کارگاه را از نو بر راه انداخت. با شروع جنگ، در کار راه‌اندازی کارگاه‌ها دوماه وقفه ایجاد شد، ولی مجدداً برخی از کارگاه‌های تولیدی نظیر بلوک‌زنی کار خود را از سر گرفتند. در همین زمان کارگاه‌های ساختمانی ابتدا با کارگران روز مزد و سپس با جمع‌آوری کارگران متخصص و ساده در گروه‌های تعاونی، بصورت مقاطعه‌کار جزء کارگاه‌ها بدنبال هم شروع بکار کردند. شروع کار برونساز جدید و با سرعت بیشتری نسبت به سال قبل ادامه یافت. متأسفانه عدم کارایی گروه‌ها، که صرفاً بخاطر بیکاری و نیاز مالی شدید شروع بکار کرده بودند، در آخر ماه از نظر تناسب بین درآمد حاصل از کارکرد حقوق دریافتی آنان مشکلی ایجاد کرد. برخی از گروه‌ها، که اصولاً شیوه پیمانکاری آشنایی نداشتند و در این جریان ضرری متوجه آنان شده بود، از ادامه کار دل‌سرد شدند. البته مدیریت پروژه با افزایش قیمت‌ها سعی کرد تا اندازه‌ای این ضرر را جبران کند، ولی باز هم مسئله ضرر گروه‌ها به قوت خود باقی است.

در جوار کار گروه‌های تعاونی، تعدادی پرسنل هم بصورت استخدامی وجود دارند که کارهای مربوط به تدارکات و خدمات کارگاه‌ها و نیز امور مربوط به حفاظت را انجام می‌دهند. بعنوان نمونه می‌توان از کارگاه بلوک‌زنی، که یک کارگاه تدارکاتی است، و همچنین از کارگاه‌های سنگ‌شکن و تعمیرگاه نام برد. مدیریت پروژه، که از جانب استانداری به اینکار منصوب شده بود، مسئله ارجاع کار به گروه‌های تعاونی، را که می‌بایست از طرف مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی معرفی شده باشند، نادیده گرفت. او در مقابل سعی کرد که با بهره‌گیری از افراد خارجی از شرکت، از سویی کارگران خارجی را راضی کند و از سویی دیگر با انجام کار بصورت پیمانی، به کار سرعت بیشتری

دارد. از طرف دیگر، در شرایطی که میهن ما به ذخیره مواد غذایی، بویژه گندم، نیاز دارد، باید طرح تکمیل سیلوهای کشور را پیگیری و دنبال کرد. بر عهده مسئولین و مقامات مربوطه است که در زمینه پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران اقدام کنند، و با توجه به مسئله مدیریت و راه‌اندازی کارگاه‌ها، اجازه ندهند که کارگران بیکار شوند، طرح‌ها ناتمام و ناقص باقی بماند و بلا تکلیفی جای برنامه ریزی جامع را، که از ضروریات انقلاب است، بگیرد.

گروه‌های تعاونی و مشکلات آنها:

اصولاً در گروه‌های موجود تعداد افراد باسواد خیلی کم است و تهیه صورت وضع آنها همواره مشکلاتی در پی دارد و در نتیجه عموماً توسط مسئولین کارگاه‌ها تهیه می‌شود. گروه‌هایی که در آخر هر ماه ضربه می‌خورند، چون با این شیوه کار کردن آشنایی ندارند، هنگام دریافت حقوق خود که کمتر از حد متعارف است - مسئولین کارگاه‌ها را مسئول کم بودن حقوق خود می‌دانند. همین مسئله مدیریت شرکت را بر آن داشته است که راه حل را در بکارگرفتن گروه‌های طرح و گسترش، که افراد دبیلمه هم در میان آنها وجود دارند، بدانند. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا یک نفر دیپلمه می‌تواند با به عهده گرفتن حسابداری گروه، امور مربوط به پرداخت صورت وضع کارگران را انجام دهد؟ مشکل مهم دیگر گروه‌ها عدم سازش افراد در گروه‌هاست، که دائماً منجر به تقسیم آنها به دو گروه مجزا می‌شود و دائماً در بین گروه‌ها بر سر دستمزد درگیری وجود دارد.

بیم کارگران گروه‌های تعاونی شرکت از سرنوشت نامعلوم خود از طرفی و سردرگمی که تا بحال مسئولین به آن دچار بوده‌اند، از طرف دیگر، موجب بی‌نظمی در کارهای شرکت شده است. بی‌شک اگر کار شرکت بر همین منوال پیش رود، شرکت با مشکلات به مراتب سخت‌تری روبرو خواهد شد. عدم انضباط در کارها بعلاوه ضعف مدیریت در اداره امور، عدم برنامه ریزی دقیق و بی‌توجهی به خواست‌های برحق کارگران، از دلایل عمده رکود در کار شرکت پرسیزیون است.

در شرایط حساس کنونی، که بیش از هر زمان نیاز به تامین خودکفایی احساس می‌شود، می‌توان با گام‌های افرادی دلسوز و معتقد به انقلاب، با برطرف کردن نقایص موجود، همه‌کار-گاه‌های شرکت پرسیزیون را در خدمت به امر انقلاب به فعالیت هر چه بیشتر واداشت.

توضیح و تصحیح

شده است، که برابر بخش نامه رئیس خدمات مالی و عضو علی‌البدل هیات سرپرستان شرکت ملی نفت تحت عنوان "مصوبه شماره ۱۶۰ هیات سرپرستان بیان دقیق آن به شرح زیر است: شش درصد پس‌انداز سهم شرکت برای سال ۶۰ و ششماه دوم سال ۱۳۵۹، که پرداخت نگردیده، در بودجه سال ۶۰ منظور گردد."

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

درد. از طرف دیگر، در شرایطی که میهن ما به ذخیره مواد غذایی، بویژه گندم، نیاز دارد، باید طرح تکمیل سیلوهای کشور را پیگیری و دنبال کرد.

بر عهده مسئولین و مقامات مربوطه است که در زمینه پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران اقدام کنند، و با توجه به مسئله مدیریت و راه‌اندازی کارگاه‌ها، اجازه ندهند که کارگران بیکار شوند، طرح‌ها ناتمام و ناقص باقی بماند و بلا تکلیفی جای برنامه ریزی جامع را، که از ضروریات انقلاب است، بگیرد.

تعطیل کردن طرح‌های ناتمام و بیکار کردن کارگران، بزیان میهن انقلابی و بسود دشمنان انقلاب است

بدنبال مشکلاتی که در کارگاه سیلوی پاکستان در ۶۰/۱/۲۶ بروز کرد و خبر آن در شماره ۴۹۳ "نامه مردم" درج شد، سازمان غله کشور (کارفرمای این پروژه) در تاریخ ۶۰/۲/۸ تصمیم گرفت که این کارگاه و کارگاه‌های دیگر شرکت "آر. جی. اس" را، که مقاطعه‌کار این طرح بود، تعطیل کند. این مسئله در پاکستان منجر به بیکار شدن صد هفتاد تن از کارگران

نیمی محلی و نیم دیگر غیربومی) شد. در سایر کارگاه‌های شرکت، در شهرهای قم، اراک، تبریز و رشت نیز تعدادی از کارگران بیکار شدند. ناگفته پیداست که نبودن تامین شغلی برای کارگران، به ویژه اخراج آنان در شرایط کنونی، که لشکر بیکاران و تامین کار برای آنان مشکلی جدی است، چه خطراتی از نظر نارضایتی کارگران و بهره‌برداری ضدانقلاب در بر

توطئه فتودالها و بزرگ مالکان در روستای کیکانلو و روستاهای اطراف، فقط با اجرای بند «ج» خنثی میشود

تراکتوردارهای منطقه را تهدید کردند که برای شخم زدن سرزمینهای خود، متأسفانه وجود عناصری در پاسگاه منطقه باعث شده فتودالها و بزرگ مالکان غارتگر موقف به جلوگیری از کشت دهقانان شوند. زمانیکه برآشرداد خواهی دهقانان ستم دیده، هیئت هفت نفری به روستا آمد، یکی از فتودالها که در جمع روستائیان حضور داشت، برای آنکه بخیال خود به آنها توهین کند آنها را "حمال" خطاب کرد. یکی از دهقانان در پاسخ او گفت:

"بله ما حمال هستیم، برای اینکه سالیانه زحمت ۵۰ تن گندم و ۴ تن پنبه و جالبیز ترا با پشتمان تحمل می-کنیم!"

سرانجام دهقانان موفق شدند، با کمک هیئت هفت نفری، زمینها را کشتند، اما فتودالها و بزرگ مالکان دست از توطئه برنداشتند، آنها عده‌ای از افراد ناآگاه را تطمیع کردند و آنها را مسلح ساختند، تا با همکاری ضد-انقلابیون مسلح اطراف شیروان، بلوایی

در منطقه ایجاد کنند، این توطئه با هشیاری دهقانان خنثی شد. این فتودالها و بزرگ مالکان، به همراهی همان فتودالی که متهم به حلق-آویز کردن دهقان شیرآبادی است، باند تشکیل داده‌اند و علیه هیئت هفت نفری و دهقانان زحمتکش فعالیت شدید می‌کنند.

جادار که مقامات مسئول با اجرای بند "ج" و بند "د"، کلیه اراضی سایر داتر بزرگ مالکان را مشمول قرار دهند، و هر چه سریعتر به مالکیت دهقانان روی زمینهای این غارتگران زورگوجه قانونی و رسمی ببخشند و با اتخاذ تدابیر جدی جلوی توطئه‌های آنها را سد کنند. در همانحال باید عناصری را که در پاسگاه نفوذ کرده‌اند و از این طریق به بزرگ مالکان ضدانقلابی بیاری می‌رسانند، شناسایی و پاکسازی کرد.

لازم است دهقانان بی زمین و کم-زمین نیز اتحاد خود را با دهقانان خرده مالک حفظ کنند و چون تن واحد توطئه-های گسترده بزرگ مالکان را خنثی کنند.

کیکانلوها و بزرگ مالکان روستای کیکانلو از توابع بخش مانه و در ۴۸ کیلومتری شهرستان بجنورد، فعالیت-های خود را علیه دهقانان زحمتکش تشدید کرده‌اند و از کشت آنان جلو-گیری می‌کنند.

این بزرگ مالکان ۲ نفر هستند، جمعیت این روستا در حدود ۱۲۰ خانوار است و بیشتر آنان (۶۰ درصد) خرده-مالکند. در حدود ۲۰ الی ۳۰ خانوار کارگر شهری و تعدادی هم کارگر فصلی در روستا زندگی می‌کنند. دهقانان زحمت-کش این روستا در مهرماه سال گذشته، هنگام کشت پائیزه، با در دست داشتن عکس‌هایی از امام خمینی و آیت‌الله منتظری، به سرزمین‌های بزرگ مالکان و فتودال‌های منطقه رفتند و زمین‌ها را کشت کردند. هیئت هفت نفری منطقه نیز از دهقانان پشتیبانی کرد. این عمل مورد تأیید دهقانان روستای کوشکی نیز قرار گرفت و آنها زمین‌های یکی از این فتودالها را بزرگ کشت بردند.

فتودالها و بزرگ مالکان، زحمتکشان بهار آورده می‌آوردند و جلوی کشت زمین کم-زمین و بی-زمین سیستانی ساکن سرزمین ایلوار و چهارده اکنون گذشته از اینکه حاضریم در جبهه نبرد علیه شیطان بزرگ و صدام مزدور شرکت کنیم بلکه باید با کار و تولید بیشتر پشت جبهه را تقویت نمائیم تا بر شیطان بزرگ و نوکرانش پیروز گردیم.

به همین خاطر ما خواستار آنیم که قانون اصلاحات ارضی مخصوص بند "ج" آن که با تأیید امام، توسط فقهای عالیقدر آیت... منتظری، آیت... مشکینی، آیت... پهلوی تهیه شده و شورای انقلاب هم آنرا تصویب نموده هر چه زودتر اجرا شود تا دست بزرگ مالکان این کارشکنان پیشرفت انقلاب و پیروزی بر شیطان بزرگ و صدام مزدور از روستاهای مبین ماکوتاه شود.

رونوشت: ۱- دفتر امام ۲- دفتر آیت... منتظری ۳- مجلس شورای اسلامی ۴- دفتر نخست وزیر ۵- هیئت هفت نفره گرگان ۶- جراید محل امضای زارعین سیستانی ساکن سرزمین‌های قرا ایلوار و چهارده

ویژه مهمترین مسئله روستاهای ما

مهمترین مسئله روستاهای مبین انقلابی ما در مقیاس سراسر کشور، مسئله زمین است. نامشروعی برای بزرگ مالکی حل نشود، یعنی کسب زمین‌ها به دهقانان زحمتکش واگذار نشود، سایر مسائل روستاهای ما اقتصاد کشاورزی ما حل نخواهد شد. این واقعیت را خود دهقانان در چهار گوشه کشور می‌گویند و همه انقلابیون راستین با آن همصدا هستند که باید بند "ج" و بند "د" قانون واگذاری زمین فوراً و فاطحانه به مرحله اجرا درآید تا کشاورزی مابسی رونق و شکوفایی برود، آرامش و اطمینان در روستاها حاکم شود، و جنایت و شرارت و فساد دهات، ما را ترک کند و محصول بیشتر و زندگی بهتر شود. آنچنان که شایسته انقلاب است.

صفحه دهفتم، شماره امروز به این مهمترین مسئله روستاهای ما اختصاص دارد.

طومار دهقانان زحمتکش روستاهای ایلوار و چهارده در حمایت از اجرای هر چه سریعتر بند «ج»

سیل طومارهای دهقانان زحمتکش جهت اجرای هر چه سریعتر بند "ج" قانون اصلاحات ارضی، همچنان ادامه دارد. اینبار دهقانان روستاهای ایلوار و چهارده (اطراف گرگان) طوماری تهیه کرده‌اند و برای مقامات مسئول مملکتی ارسال داشته‌اند، که در زیر متن آنرا می‌خوانید و کلیشه آنرا هم می‌بینید:

"بسمه تعالی

مالکین و سرمایه‌داران بزرگ را بهای میز محاکمه می‌کشیم. آنها حقوق کارگران و رعایا را برده‌اند. بدین جهت مالک کارخانه‌ها و زمین‌های خود نمی-باشند. امام خمینی

پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی، مزه زندگی بهتر را به محرومان و مستضعفان جامعه داد. ما دهقانان در رژیم گذشته محرومیت‌های زیادی را متحمل شدیم. با خاطر همین هم هست که از این انقلاب با تمام وجودمان دفاع کرده و خواهیم کرد. ما بخوبی می-دانیم که هدف شیطان بزرگ و نوکرش صدام اینست که از پیشرفت انقلاب و ثمرات ارزنده‌ای که برای ما دهقانان و

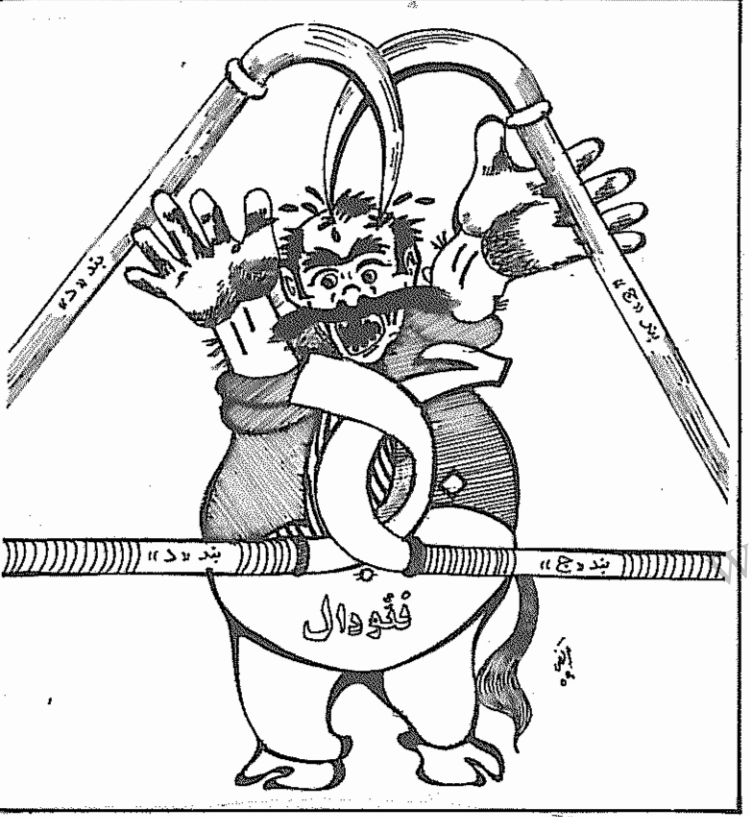
خواست کوخ نشینان «آق مزار» بجنورد، اجرای کامل طرح واگذاری زمین است

روستای آق مزار، از توابع بخش مانه، (۶۲ کیلومتری بجنورد) دارای جمعیتی حدود ۱۵۰ خانوار است. از این جمعیت در حدود ۴۰ درصد ارضی-زمین‌ها و کم‌زمین‌ها تشکیل می‌دهند. بزرگ مالک ده دارای ۲۰۰ هکتار زمین است و یک کارخانه پنبه‌پاک‌کنی نیز در شهر بجنورد دارد، که دسترنج دهقانان زحمتکش روستا را توسط سلف‌خری غارت می‌کند.

امکانات رفاهی روستا عبارتست از: مدرسه ابتدایی و حمام و مسجد و آب‌لوله‌کشی ناقص. روستا دارای شورای است که از طرف جهاد سازندگی بجنورد به رسمیت شناخته شده است.

محصولات عمده روستا گندم، جو و پنبه است. برای کشت پائیزه سال ۵۸، دهقانان زحمتکش می‌خواستند زمین-های ارباب را کشت کنند، ولی توسط پاسگاه منطقه از اینکار آنها جلوگیری شد. حتی تعدادی از دهقانان روستا، مبنی بر اینکه "به سرزمین‌های ارباب نروند"، توسط پاسگاه گرفته شد.

در موسم کشت پائیزه ۵۹، روستائیان با شور و مشورت یکدیگر به



شیطان دهات (فتودال) را در بند «ج» و «د» اسیر کنیم

دادگاه انقلاب شکایت بردند. آنها می-گویند:

"هیئت ۷ نفری برای تحقیق به این محل آمدند، ولی برای بار دوم هرگز نیامدند خبر بگیرند".

دهقانان زحمتکش آق مزار بارها به دادگاه انقلاب شکایت بردند و از نهادهای انقلابی شهرستان بجنورد استمداد طلبیدند، ولی تاکنون به‌داد آنها رسیدگی نشده است.

پس از تعویق بند "ج" طرح واگذاری زمین، بزرگ مالک با گستاخی بیشتری علیه دهقانان زحمتکش آق مزار توطئه می‌کند. دهقانان رنج‌کشیده روستا می-

| ردیف | نام دهقان | موضوع شکایت |
|------|-----------|-------------|
| ۱ | ... | ... |
| ۲ | ... | ... |
| ۳ | ... | ... |
| ۴ | ... | ... |
| ۵ | ... | ... |
| ۶ | ... | ... |
| ۷ | ... | ... |
| ۸ | ... | ... |
| ۹ | ... | ... |
| ۱۰ | ... | ... |
| ۱۱ | ... | ... |
| ۱۲ | ... | ... |
| ۱۳ | ... | ... |
| ۱۴ | ... | ... |
| ۱۵ | ... | ... |
| ۱۶ | ... | ... |
| ۱۷ | ... | ... |
| ۱۸ | ... | ... |
| ۱۹ | ... | ... |
| ۲۰ | ... | ... |

نمایندگان هیئت هفت نفری بجنورد طی نامه‌ای به امام خمینی و دولت جمهوری اسلامی ایران خواستار اجرای بند «ج» شدند

اخیراً نمایندگان هیئت هفت نفری بجنورد در روستاهای مختلف بخش مانه و سلفان طی نامه‌ای برای امام خمینی و دولت جمهوری اسلامی ایران، خواستار اجرای فوری بند "ج" قانون اصلاحات ارضی و کوتاه کردن دست بزرگ مالکان از جان و مال دهقانان زحمتکش شده-اند. در قسمتی از این نامه آمده است:

"با (کم) کار شدن هیئت ۷ نفری متوقف شدن بند "ج" بزرگ مالکان و سرسپردگان فراری آنها ماندگار شده‌اند و دست از توطئه و خیانت بر نمی‌دارند و همچنان به کار شکنی و سنگ اندازی پیش پای دهقانان ستم دیده و خرابکاری در

قوانین مصوبه جمهوری اسلامی و جلوی گیری از ریشه دار شدن و تعمیق انقلاب شکوهمندمان مشغولند. فتودال‌های بی‌انصاف جسارت و بی‌شرمی را به حدی رسانده‌اند که عده‌ای از عناصر خائن به انقلاب را تحریک نموده‌اند و این بی-انصافان با برخورد های مسلحانه با دهقانان مانوس سلطان از توابع شهرستان بجنورد خون بپا کرده و هیئت ۷ نفری واگذاری زمین مستقر در بجنورد را تهدید به مرگ می‌نمایند. ای امام، ای روح مستضعفین و ای دولت فعال جمهوری اسلامی، ما دهقانان مانه و سلفان توابع

- امام خمینی:**
- حقوق مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه‌داران، بزرگت خورده‌اند، به محرومین باز پس داده می‌شود

- ۱- اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی،
 - ۲- قرارداد روغان بطور مستقیم در اختیار مستضعفین روستایی،
 - ۳- جلوگیری از کار شکنی پیمانکار چغندر، که طرفدار بزرگ مالکان است،
 - ۴- رسیدگی به شکایات روستائیان.
- در ضمن نویسندگان نامه متذکر شده‌اند که نمایندگان قبلی هیئت ۷ نفری مورد قبول آنها هستند. قابل ذکر است که اعضای این هیئت، نمایندگان موقت هستند.
- ۹۹ نفر از دهقانان زحمتکش با اثر انگشت و امضای خود، محتویات نامه را تأیید کرده‌اند.

سیمار "کمیته‌های بهداشت و درمان جهاد سازندگی"، که به مدت سه روز از اول اردیبهشت‌ماه سال جاری در تالار ابن‌سینا دانشگاه تهران در جریان بود، با ارائه پیشنهادها سازنده‌ای در زمینه رسیدگی به وضع بهداشت و درمان جنگ‌زدگان، مناطق روستایی و... به کار خود پایان داد. در قطعنامه این سمینار از جمله آمده است:

"با توجه به اصلی بودن مسئله جنگ و جنگ‌زدگان، توجه مسئولان را به بهداشت و درمان مجروحین و آوارگان جنگی و بررسی وضع آن‌ها معطوف می‌داریم و خواستار بسیج نیروهای فعال ارگان‌ها بمناطق جنگی می‌باشیم و طرح مسائل انحرافی را محکوم می‌کنیم." (کیهان، ششم اردیبهشت ۵۹)

قطعنامه همچنین نظر مسئولین

به پیشنهادهای جهاد سازندگی در زمینه بهداشت و درمان توجه کنید

را به لزوم گسترش خدمات پزشکی و درمانی در روستاها جلب و برنامه‌هایی در این ارتباط ارائه کرده است: "اولویت پیاده نمودن طرح شبکه‌های بهداشتی در مناطق محروم کشور در کنار مراکز خدمات روستایی، کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی با توجه به نیاز مناطق محروم، با استفاده از امکانات موجود، بویژه دانشکده بهداشت، سعی در تربیت نیروهای ثابت لازم، با اولویت نیروهای روستایی و بومی بنماید. پیشنهاد می‌شود شورای متشکل از نمایندگان جهاد سازندگی دانشگاهی،

وزارت بهداشتی، سپاه پاسداران در همه استان‌ها نظارت بر بهداشت و درمان روستاها را بعهده گیرند. (همان جا)

قطعنامه همچنین خواستار شرکت نماینده کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی در مدیریت و تشکیلات ستادی وزارت بهداشتی و سازمان‌های منطقه آن شده است.

قطعنامه ضمن انتقاد از حاکمیت سیستم گذشته بر نظام پزشکی، خواستار انتخابی بودن هیئت مدیره آن شده است.

گسترش خدمات پزشکی در مناطق محروم، از جمله پیشنهادها سازنده انجمن‌های بهداشت و درمان جهاد سازندگی است.

ما ضمن آرزوی موفقیت برای فعالیت‌ها و اقدامات آتی "کمیته درمان و بهداشت جهاد سازندگی" و دیگر بخش‌های آن، توجه مسئولین جمهوری

اسلامی ایران را به این پیشنهادها جلب می‌کنیم و از آنان می‌خواهیم که با استفاده از این پیشنهادها

همچنین طرح‌های سازمان‌ها و گروه‌های هوادار انقلاب، در جهت حل مشکلات بهداشتی ایران، که بخش اعظم آن میراث شوم نظام طاغوتی گذشته است، قدم‌های سازنده بردارند.

به وضع استخدامی در استان چهارمحال بختیاری رسیدگی کنید

بیشتر مسئولین و مجریانی دولتی در استان چهارمحال بختیاری بجای آنکه از افراد محلی باشند، از اهالی اصفهان هستند. مسئولین امر برای علت این انتصاب‌ها دلایلی آورده‌اند که به هیچوجه با قانون جمهوری اسلامی ایران مطابقت ندارد. از سوی دیگر افراد محلی شاغل در ادارات نیز تحت فشار قرار گرفته‌اند، که پست خود را ترک کنند. این امر در کنار نفوذ بعضی عوامل ضدانقلاب در ادارات شهر، مجموعاً باعث نارضایتی مردم شده است.

ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که از چنین اقدامات، که نه تنها مخالف با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، بلکه باعث نارضایتی مردم نیز می‌شود، جلوگیری کنند و اجازه ندهند که جو تشنج و آشوب دیگری بوجود آید.

به مشکلات بیمارستان دکتر مصدق شهر کرد رسیدگی کنید!

بیمارستان دکتر مصدق شهرکرد به علت افزایش تعداد مراجع کنندگان و نارسائی‌های خدماتی برای درمان بیماری‌های مختلف در سطح منطقه، با مشکلات فراوانی روبروست. نبودن تجهیزات و وسایل و امکانات کافی در بیمارستان، کمبود پزشک متخصص و تکنیسین‌های ورزیده، فقدان مدیریت صحیح در بخش‌های کلینیکی و پاراکلینیکی، کمی ظرفیت بیمارستان نسبت به تعداد بیماران، عدم توجه به مسائل رفاهی کارکنان و کادر زحمتکش بیمارستان و همچنین نبودن بهداشت کافی و هوای آلوده در محیط بیمارستان، از مشکلات اساسی این بیمارستان است.

ما از مقامات مسئول می‌طلبیم که هرچه زودتر با احداث یک بیمارستان مجهز در شهرکرد، با توجه به جمعیت این شهر، در جهت حل این مشکل اقدام کنند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

به مشکل آب آشامیدنی غیر بهداشتی مردم سیستان رسیدگی کنید

مردم سیستان و بخصوص اهالی زابل و روستا نشینان اطراف آن، از مشکل آب آشامیدنی غیر بهداشتی به شدت رنج می‌برند. آب آشامیدنی این زحمتکشان، که اکثر آن در ۶۰۰ روستای این منطقه سکونت دارند، بطور عمده از آبی تامین می‌شود که توسط شاخه‌های فرعی رودخانه هیرمند به منطقه می‌آید، آبی که می‌توان گفت تقریباً فاضلاب رودخانه هیرمند است و در مسیر خود مقدار زیادی گل و لای به همراه می‌آورد. از سوی دیگر، به علت سرباز بودن مسیر و عبور از روستاهای مختلف، فاضلاب این روستاها نیز در آب وارد می‌شود و در نتیجه میکروب بیماری‌های گوناگونی نظیر حصبه، وبا، فلج اطفال، اسهال عفونی کودکان و غیره به وفور در آب روخانه یافت می‌شود. تصفیه‌خانه شهر زابل نیز، همان‌گونه که تا حال بارها گفته شده است، عملاً قابل استفاده نیست و در حال حاضر تنها به صورت یک تلمبه خانه کار می‌کند و تنها عملی که برای ضد عفونی کردن آب انجام می‌دهد، افزودن پرکلرین به آب است، که آن هم به علت گل‌آلود بودن بیش از حد آب رودخانه، تاثیر چندانی ندارد.

مسئولین اداره بهداشت زابل تاکنون در مورد غیر قابل آشامیدنی بودن آب شهر بارها سخن گفته‌اند. آزمایش‌های فراوان نیز نشان داده‌اند که این آب در شکل کنونی صد درصد غیر قابل آشامیدن است.

بارعایت مصالح انقلاب:

راه‌اندازی مرکز کامپیوتر سازمان تامین اجتماعی، که می‌توان گفت یکی از مدرن‌ترین و مجهزترین مراکز در نوع خود در ایران و در سطح خاورمیانه است به دلیل کارشناسی‌های مختلف متوقف مانده است. تجهیزات این مرکز، که تا قبل از انقلاب توسط آمریکا به اداره می‌شد، حدود ۶ میلیون تومان وساختن آن ۷۰ میلیون تومان خرج برداشته است.

پس از انقلاب، گروهی از کارکنان این مرکز تصمیم به راه‌اندازی مجدد این مرکز گرفتند. آنان تصمیم داشتند که از مراکز دارای دستگاه استیجاری هستند، دعوت کنند، تا بجای دستگاه‌های خود، که باید مبالغ زیادی بابت اجاره‌شان می‌دادند، از دستگاه‌های این مرکز استفاده کنند. لیکن سیاست "کام به کام" دولت موقت و نیز بی‌برنامگی مدیران سازمان تامین اجتماعی مانع انجام این تصمیم شد. سرانجام بر

این وضع در روستاها به مراتب بدتر است. همانطور که گفته شد، از حدود ۳۰۰ هزار جمعیت سیستان، حدود ۲۵۰ هزار نفر در بیش از ۶۰۰ روستا سکونت دارند. آب بیشتر این روستاها مستقیماً از نهر تامین می‌شود، بدون آنکه هیچگونه مواد ضد عفونی به آن اضافه شود. تنها حدود پنج روستای منطقه دارای آب لوله کشی هستند، آبی که از کیفیت نامطلوبی برخوردار است.

در مجموع باید گفت که اکثریت مردم زحمتکش و محروم این منطقه از میهنان به علت وجود این میکروب‌ها در آب آشامیدنی‌شان، دچار انواع بیماری‌ها هستند و، به علت پایین بودن سطح بهداشت، به شدت از این مشکل رنج می‌برند. گفته رئیس شبکه بهداشتی زابل در جلسه دیروز مسئولین استان با نخست‌وزیر به خوبی این واقعت را نشان می‌دهد:

"بعلت وضعیت بد بهداشت و آب آشامیدنی در منطقه، بیشتر مردم مبتلابه بیماری‌های روده‌ای هستند و بیشتر تخت‌های بیمارستان‌ها را اشغال کرده‌اند."

عوارض دیگر این مشکل را تا کنون در سطح منطقه بارها شاهد بوده‌ایم. از جمله در بهمن‌ماه سال ۵۸، بعلت بومی شدن بیماری حصبه (که خود ناشی از وجود میکروب این بیماری در آب آشامیدنی است) در روستاهای اطراف کوه خواجه شامل روستاهای کوه خواجه، ده لطف‌الله، قریه آزادی، ده کدخدای فقیر، ده

محمد صفر و فراشادی، مردم به این بیماری مبتلا و تلفاتی هم متحمل شدند، و تنها کوشش مسئولین بهداشتی شهر از عمیق تر شدن فاجعه جلوگیری کرد.

با وجود اعلام مکرر این مشکلات تاکنون اقدام قاطعی صورت نگرفته است، بطوری‌که رئیس شبکه بهداشتی در همان جلسه متذکر شد:

"حدود ۳ سال است که در رابطه با بهبود وضع آشامیدنی این منطقه بطور مرتب با مقامات مسئول مکاتباتی انجام گرفته که متأسفانه نتیجه‌ای نداشته است."

خوشبختانه نخست‌وزیر در این جلسه قول مساعد داد که در اسرع وقت به این مشکل رسیدگی شود. اینک با توجه به وضع ناگوار موجود و محدود بودن امکانات درمانی این منطقه و نیز با در نظر گرفتن این که بهبود وضع آب آشامیدنی می‌تواند تا حد قابل توجهی بکاهش بیماری‌ها یاری رساند، لازم است که مقامات وزارت نیرو هرچه سریع‌تر برای این مشکل چاره‌اندیشی کنند. در همان حال باید با اقدامات ضربتی کوتاه مدتی، نظیر افزودن یک حوضچه زاج‌زنی و چند حوضچه ته‌نشینی شبکه، بترفع موقتی ونسبی این مشکل پرداخت. در مورد روستاها، تنها چاره‌ای که میتوان در پیش گرفت، بوجود آوردن چند مرکز در این منطقه، استقرار تصفیه‌خانه‌هایی در آنها و سپس پمپاژ آب تصفیه‌شده به سایر نقاط است.

هرگز کامپیوتری سازمان تامین اجتماعی را بر اه اندازید

اثر پافشاری کارکنان این سازمان، ضرورت بهره‌برداری از این مرکز و پس‌دادن دستگاه‌های استیجاری "آی بی. ام." (که تنها از همین بابت از این شرکت ۴۰۰ هزار دلار ماهیانه به این شرکت، صرفه‌جویی می‌شود) مورد قبول قرار گرفت و قرار شد که در مرحله اول، پس از راه‌اندازی مرکز، سازمان مرکز آمار، وزارت اقتصاد و دارایی، سازمان برنامه و بودجه و نیز خود سازمان تامین اجتماعی از تجهیزات این مرکز استفاده کنند. برای راه‌اندازی و تعمیر و نگهداری و تهیه قطعات یدکی این مرکز نیز با شرکت دولتی "ایز ایران" مذاکراتی بعمل آمد و این شرکت آمادگی خود را برای این کار اعلام کرد. لیکن شوراب عالی انفرماتیک، با اعلام این که علاوه بر شرکت "ایز ایران" باید با شرکت خصوصی وی. بی. اف - ثی نیز که توسط عده‌ای از متخصصین با سابقه شرکت "آی. بی. ام." تشکیل شده است، مذاکره کرد، در راه‌اندازی

این مرکز اشکالات تازه‌ای بوجود آورد. پس از مذاکره با مقامات هر دو شرکت و بررسی پیشنهادهای سرپرست این شرکت، مشخص شد که پیشنهاد شرکت دولتی "ایز ایران" دارای نقاط مثبت بیشتری است. با این همه تعدادی از اعضای شورای عالی انفورماتیک و سازمان برنامه بودجه اصرار فراوان به عقد قرارداد با شرکت خصوصی مزبور داشتند و دارند، در صورتی که کارکنان متعهد این مرکز این کار را به سود انقلاب نمی‌دانند.

اکنون بعلت ادامه اختلافات ناشی از این مسئله، عملاً تجهیزات این مرکز بلااستفاده مانده است. بر مقامات مسئول است که با انجام اقداماتی فوری و با رعایت مصالح انقلاب و اهداف استقلال طلبانه آن به راه‌اندازی این مرکز مجهز مدرن بپردازند. در این راه می‌توان و باید به کارکنان متعهد و مسئول این مرکز تکیه کرد و از آنان یاری گرفت.



معلمین مبارز سراب را به کار بازگردانید

۲۹ نفر از معلمین سراب، که در سال گذشته پاکسازی شده و مجدداً بکار بازگشته بودند، در اواخر فروردین‌ماه سال جاری، بار دیگر بدون هیچ دلیلی، از کار اخراج شدند. اخراج این عده، که اکثر آن از معلمین انقلابی و مبارز و پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند باعث تشنج در شهر و نارضایتی اهالی گشته است.

یکی از معلمین اخراجی خطاب به رئیس آموزش و پرورش سراب، به درستی به هشدار اخیر امام خمینی در مورد توطئه ضدانقلاب، بویژه در آذربایجان، اشاره کرد و اخراج معلمین را در شرایط حساس کنونی، خلاف مصالح کشور و نقض صریح قانون خواند.

در این میان آنچه بیش از همه قابل تأسف است این است که، یکی از معلمین پاکسازی شده بنام "لامعی" مدتی است که برای مقابله با دشمنان متجاوز به جبهه جنگ رفته و در آنجا به اسارت دشمن درآمده است. این مسئله اعتراض همگان را برانگیخته است. مردم سؤال می‌کنند که: چطور می‌شود یک معلم در دست دشمن اسیر باشد و او را از کار پاک‌سازی کنند!

در ارتباط با این پاکسازی‌های غیرقانونی، به مدت دو روز دانش آموزان مدارس شهر از رفتن به سر کلاس خودداری کردند و حتی نزدیک بود کار به تظاهرات و راهپیمایی بکشد، که معلمین اخراجی مانع از آن شدند.

ما ضمن جلب توجه مسئولین آموزش و پرورش به این امر، از آنان می‌خواهیم که با رسیدگی دقیق به این پاکسازی غیرقانونی، از معلمین مبارز اعاده حیثیت شود و اعمال غیرقانونی مورد بررسی قرار گیرد.

به وضع نابسامان آب دزفول رسیدگی کنید!

قطع آب لوله‌کشی دزفول بطور مرتب، موجب نارضایتی مردم این شهر شده است. در دزفول ۲ سازمان آب وجود دارد. یکی آبیاری دزفول که از قبل وجود داشته است و تقریباً ۵۰ درصد خانواده‌های دزفولی مشترک آن هستند، و دیگری سازمان آب تصفیه دزفول، که از شش سال پیش در دزفول کار خود را به طور فعال آغاز کرده است.

مشکل اساسی این است که هر گاه برق شهر قطع شود، بلافاصله آب نیز برای مدت طولانی قطع می‌شود، و همچنین اگر آب رودخانه گل‌آلود شود و یا بالا و پایین برود، بر آب شهر اثر می‌گذارد و آن را قطع می‌کنند.

ما از مسئولین امر می‌طلبیم که هرچه زودتر در جهت فراهم آوردن زمینه حل این مشکل، به خواسته‌های بحق مردم دزفول رسیدگی کنید.

درباره «سنگ پا»

در روزنامه‌ای که نام «انقلاب اسلامی» بر خویش نهاده، نویسنده ستون «وقایع اتفاقیه»، مقاله‌ای تحت عنوان «سنگ پای قزوین!!» - که عنوانی بسیار برازنده برای آن مقاله است - نوشته، و نه بطور اتفاقی، بلکه بشیوه دائمی خویش، مقادیر فراوانی افترا و دشنام رکیک درباره حزب توده ایران ردیف کرده است.

برعایت وضع موجود و تکالیف روزنامه نگاری، در شرایطی که حملات و افتراها و توهین‌های تشیع آفرین تنها بسود دشمن، بسود آمریکای جنایتکار و گروه صدامی تجاوزگر و «میانه‌روهای معتدل» طرفدار آمریکاست، البته ما هرگز با نویسنده «وقایع اتفاقیه» دهان بدهان نمی‌شویم و آنچه را که سزای اوست، در پاسخ ناسازگاریش نخواهیم نوشت.

از اینکه بگذریم، لغات و عبارات و صفاتی که نویسنده در دشنام گویی و افترازی به حزب ما آورده است، تنها نشانه خشمی لگام گسسته است، که از عصبانیتی بی‌حد و مرز حکایت میکند. چرا خاطر پراز سلامت «وقایع نگار» آزرده شده؟ چه چیز وی را اینچنین به‌خشم آورده است؟ آیا یک افشاگری، یک اطلاع موقوع از یک توطئه، که در حال تکوین بود، باید اینطور موجب عصبانیت «وقایع نگار» شود؟ درست است که افشای یک خبر و توجه دادن به مقامات مسئول، بمنظور هشیار بودن و تدابیر لازم را اتخاذ کردن، میتواند موجب شود که خطری مرتفع گردد و کسانی نتوانند شاهد اتفاق واقعی دلخواه شوند. ولی چرا این مطلب باید روزنامه نویسی «انقلاب اسلامی» را عصبانی کند؟ مطلب از این قرار است که در پایان سال گذشته، ما خبری دریافت کردیم دایره‌بر آنکه شخصی بنام قتی زاده از تهران به لندن رسیده (در زمانی که جنگ جریان دارد و مسافرت‌ها محدود است و جز در موارد استثنائی اجازه خروج داده نمیشود) و این شخص بلافاصله به سفارت عراق در لندن رفته است (سفارت کشوری که با ایران درحال جنگ است، به‌میزبان انقلابی مانجاوز کرده و خودسازمان ده حملات و یورشها به سفارت ایران بوده، که حتی منجر به شهادت دیپلماتهای ایرانی نیز شده است).

ما البته از محتوای مذاکرات خبری نداشتیم، ولی خبر حاکی از آن بود که مذاکرات مفصل بوده است. ما نمیدانستیم که این آقای قتی زاده کیست، از طرف چه کسی به لندن رفته، چه ماموریتی به‌میده داشته و بنام چه کسی صحبت میکند؟ در این شرایط فکر میکنید که وظیفه یک ایرانی طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چیست؟ گفتیم و تکیه میکنیم که وظیفه یک ایرانی طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، البته یک ایرانی ضدانقلاب، یا یک ایرانی بی‌تفاوت

نسبت به سرنوشت انقلاب، یا یک ایرانی مخالف با تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی که علیه امپریالیسم می‌رزد و سر آن دارد که از توده زحمتکش دفاع کند، (اگر بتوان آنها را ایرانی نامید) مطلب دیگری است. اما یک ایرانی انقلابی و هوادار نظام کنونی وظیفه انقلابی دارد که بلافاصله همین اطلاع خویش را، با آگاهی و هوشیاری، به اطلاع مقامات مسئول برساند، بدون هیچگونه اظهار نظر و تفسیر و «القاء شبهه» هم برساند، تا خود مقامات مسئول بروند و تحقیق کنند که آن آقا کی بوده، چه ماموریتی داشته، از طرف کی آمده و دنبال چه هدفی میکشته است؟

نویسنده «وقایع اتفاقیه» در روزنامه «انقلاب اسلامی» این مطلب بکلی ساده را ظاهر انهمیده است که چاپ نامه مورخه ۲۹/۱۲/۵۹ حزب توده ایران در «نامه مردم»، بخاطر مردک آوردن بر اصل سفر نبوده است، چیزی که نیاز به اثبات نداشته، بلکه بخاطر آن بوده که نشان داده شود که بهنگام اطلاع خبر، ما هیچگونه اظهار نظری درباره وابستگی یا انتساب آقای قتی زاده به این یا آن شخص یا مقام نکردیم. ما عین نامه خود را، که در آن تاریخ به مقامات مسئول کشور فرستاده بودیم، کلیشه کردیم، تا ثابت شود که موضعگیری خصمانه و پر از اتهام و دشنامهای ناروای آقای رئیس جمهور علیه حزب توده ایران، درست نبوده و موردی نداشته است. حتی یک کلمه یا اشاره‌ای هم به اینکه شخص نامبرده از طرف چه کسی احتمالا آمده و چه مقامی به او ماموریتی واگذار کرده، نداشته‌ایم، زیرا این خود مسئولان بوده‌اند که میبایست در این باره تحقیق و رسیدگی کنند.

هر کس که از سفر اسفندماه دکتر قتی زاده به لندن و مراجعه او به سفارت عراق و مذاکرات مفصل او باخبر میشد و این خبر را به مقامات مسئول ایران نمیرسانید، حداقل چیزی که درباره او میشد گفت، این میبود که، به انقلاب و سرنوشت میهنش بی‌اعتناست، ما که باخبر شدیم، بدیهی بود که مقامات مسئول را باخبر کنیم. ما مطمئن بودیم که خود مقامات مسئول رسیدگی خواهند کرد و تنها ذکر خود خبر را کافی دانستیم و حتی از هر نوع فراخواندن به تحقیق و هشیار بودن و بیکسری کردن هم اجتناب کردیم، زیرا میدانستیم که هر کس به انقلاب و سرنوشت آن علاقمند است، خود برسدگی برخواهد خاست. پس چرا نویسنده «وقایع اتفاقیه» اینقدر عصبانی شده و سخنان ناروای آقای

رئیس جمهور را درباره حزب ما، در شماره‌های قبلی همین روزنامه «انقلاب اسلامی» کافی ندانسته و به «تکمیل» آنها برخاسته است؟ پس چرا نویسنده «وقایع اتفاقیه» از آگاهی رساندن و انجام یک وظیفه انقلابی از جانب حزب ما، این چنین برافروخته و خشمگین شده و آن ناسازگاری و افتراها را در حق حزب ما ردیف کرده است؟

ولی ما، همانطور که در موقع خود نسبت به نوشته‌های کارنامه رئیس جمهور یاد آور شدیم، بر اساس مشی اصولی و انقلابی خود، به این دشنامها و افتراها فعلا پاسخ نمیدیم و فقط می‌طلبیم که: اصل موضوع برای اطلاع افکار عمومی ایران روشن شود.

و اما نویسنده «وقایع اتفاقیه» ضمن خطاب ما را به هیئت سه نفری رفع اختلاف و مقامات قضائی کشور، کازی خطا و ناپبجا و حتی مظنن فروروی و وقاحت دانسته و خیال کرده است که مع طرف بی‌خبر و ناآگاه را سربزنگاه گرفته است. او مینویسد:

«مگر نه اینکه این هیئت برای رسیدگی به اختلاف مسئولین سطوح بالای مملکتی کشور (کذافی‌الاصل!) تشکیل شد و بنابه فرمان امام از نماینده ایشان نماینده رئیس جمهور و نماینده طرف دیگر تشکیل گردید، آقایان «توده‌ای» خیال میکنند که چند پست بالای مملکتی را در اختیار دارند که اختلافات (۱) خود را با رئیس جمهور به این هیئت ارجاع میدهند؟»

نویسنده «سنگ پای قزوین» مشت خود را با این ایراد باز میکند و نشان میدهد که بکلی از مرحله پرت است و حتی به وظایف یکی از ارگانهای مهم کزنی، که برای تشنج زدایی و ایجاد محیطی سالم بوجود آمده آشنا نیست.

مستقیما رجوع میکنیم به اظهارات حجت الاسلام محمد یزدی در پایان نخستین جلسه رسمی هیئت (۲۳ فروردین ۶۰). وی گفت:

«حدود وظایف و اختیارات از متن حکم امام نسبت به جناب آقای کنی وزیر کشور استخراج و مشخص شد که عبارتند از: ۱) رسیدگی به موارد تخلف ۲) رسیدگی به اعمال گسائیکه منشاء تشنج میشوند ۳) رسیدگی به جرایم و روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی». کاملا روشن است که جلب توجه هیئت سه نفری توسط «نامه مردم» برای رسیدگی به این موضوع، در حیطه اختیارات و در حدود وظایف هیئت است و جعل نویسنده «سنگ پای قزوین» موجب سلب صلاحیت از هیئت نمیشود. گذشته از آن، مگر آقای روزنامه نویس روزنامه نمی‌خواند و نمیداند که هیئت سه نفری به

مطالب منتشره دز جرایم، بارها رسیدگی کرده و اختلاف مسئولان سطح بالای مملکتی و آقای رئیس جمهور، تنها مسئله مورد نظر هیئت نیست؟ آقای نویسنده قاعدتا مرد سیاست است و باید بداند که روز ۳۰ فروردین ۶۰ آقای یزدی، سخنگوی هیئت سه نفری، به مسئولین جرایم تذکر داد و گفت:

«اگر چنانچه تخلفاتی از آنها دیده شود، ضمن تعقیب قانونی، به مردم نیز معرفی خواهند شد. آقای نویسنده باید قاعدتا لاقال اعلامیه شماره یک هیئت سه نفری را خوانده باشد که در آن گفته میشود:

«دیده میشود که متأسفانه پاره‌ای از روزنامه‌ها و مجلات تخلفاتی داشته‌اند. هیئت بر خود لازم میداند برای حفظ آرامش به کلیه روزنامه‌ها و مجلات تذکر دهد که از عنوان نمودن مطالبی که موجب تضعیف یا توهین و یا تشدید اختلاف میشود، خودداری کنند. بدیهی است که مسئولین محترم جرایم با ابراز حسن نیت رهنمودهای امام را تصب‌العین خود قرار خواهند داد. (جرایم ۲۶ فروردین ۶۰)

روشن است که جرایم و وظایف آنها و تخلفات آنها نیز مورد نظر هیئت است و مسئله آرامش تنها به مسئولان سطوح بالای مملکتی کشور؛ محدود نمیشود و همه کس، منجمله روزنامه نگاران، و از جمله نویسنده «وقایع اتفاقیه» باید رهنمودها را تصب‌العین قرار دهد. حال فرض کنیم که نویسنده «وقایع اتفاقیه» همه این اسناد رسمی و اظهارات رسمی هیئت را نشنیده و نخوانده است. ولی لاقال ضرور میبود که سخنان حجت الاسلام اشراقی، نماینده رئیس جمهور در هیئت سه نفری، را، آنهم در پایان دیدار روز ۷ اردیبهشت ایشان با رئیس جمهور و فرمانده کل قوا خوانده باشد و به آن احترام گذارد. آقای اشراقی گفته است:

«روزنامه‌ها در جوفعلی سعی کنند تا آرامش حفظ شود و جو ملایم باقی بماند، تا مسئولین بتوانند در این موقع حساس مملکت به اوضاع مملکت برسند... در این جو است که ما میگوئیم روزنامه‌ها ملایتر قلم در دست بگیرند.»

حال این سؤال پیش می‌آید: این آقای نویسنده در روزنامه «انقلاب اسلامی» چگونه حتی خط نماینده رئیس جمهور در هیئت سه نفری را نمی‌خواند و بگفته او درباره وظایف روزنامه در جو کنونی و به تکلیف هیئت سه نفری در قبال روزنامه‌ها گردن نمی‌نهد؟ چه کسانی و چرا نمیکذارند جو ملایم باقی بماند؟ چه کسانی نفع دارند که آرامش حفظ نشود و به‌بهای توهین و افترا و ناسزا، تشنج می‌آفرینند؟ این چه ماموریت نامیمونی است که اجرا میشود؟ آیا جای آن نیست که باز هم توجه هیئت سه نفری به این موضوع، برای پایان دادن به این رویه زیانبخش، جلب شود؟

نامه یک افغانی

به «دادگاه بین المللی استکهلم»

یک افغانی بنام «حاج غلام ساهی» نامه‌ای به «دادگاه بین المللی استکهلم» درباره جنایات امپریالیسم آمریکا و متحدان و دست‌نشاندهاگان و مزدورانش در افغانستان نوشته، که توسط «خبرگزاری نووستی» انتشار یافته است. در زیر ترجمه این نامه به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

«اینک من تنها فرد زنده یک خانواده هشت نفری هستم. در ماه مارس ۱۹۷۹ خرابکاران مسلح مورد حمایت آمریکا، با سلاحهای آمریکائی خانه ما را مورد حمله قرار دادند و هفت نفر از اعضای خانواده مرا کشتند، که در میان آنها زن، کودک و پیرمرد وجود داشت. خانواده دهقانی فقیر ما روزگار خود را از طریق زراعت و دسترنج خود میکذارند. ما قطع‌زمینی را میکاشتیم که، پس از انقلاب ثور در کشورمان، بسا داده شده بود. ولی دشمنان مردم افغان بی‌بوسه برمال و جان ما تجاوز میکردند. این خرابکاران برای انجام «کار» کثیف خود، یعنی قتل و جنایت، مورد حمایت دولتهای آمریکا، چین، مصر و پاکستان قرار داشتند. این‌ها سلاحهایشان را از آنها دریافت میکنند و به کشور ما اعزام میشوند.»

مردم ما بغیرت هستند و نمیتوانند خود را با جنایت و تجاوز سازگار کنند. من یکی از فرزندان مردم شریف افغان هستم. یک قربانی جنایات امپریالیسم آمریکا و مزدوران آنها، و من تاکید میکنم: اگر اتحاد شوروی درخواست دولت ما را نمی‌پذیرفت و بخش محدودی از سربازان خود را به افغانستان نمی‌فرستاد، اوضاع و احوال در کشور ما ناهنجار میشد و مردم ما در معرض تهدید یک خطر قرار می‌گرفتند. مردم ما از اتحاد شوروی، بخاطر نجات ما از تجاوز آمریکا و چین، متشکرند. سربازان شوروی چون همه مردم شوروی دوستان ما هستند. آنها در مزارع کار می‌کنند. آنها با دهقانان و کارگران ما کار میکنند و از کشور ما در مقابل ادامه تجاوز، همدوش با نیروهای مسلح ما، دفاع میکنند.»

چرا دولتهای ایالات متحده آمریکا، چین، مصر و پاکستان ما را به حال خود نمی‌گذارند؟ ما به هیچ کمکی احتیاج نداریم. ما حق داریم که دوستانمان را خودمان انتخاب کنیم. ولی دشمنان، دست‌بردار نیستند. در ماه مارس گذشته، خرابکاران به کشور ما اعزام شدند و پنج تن دیگر از مسووبان و نزدیکان مرا، که از دهقانان معمولی و زارعین زمینهایشان بودند، کشتند. من با تمام وجود مصمم هستم تا انتقام پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر و دیگر اعضاء خانواده‌ام را، که توسط خرابکاران کشته شده‌اند، بگیرم. مردم ما بصورت تن واحدی برای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و مزدورانش درآمدند و همه مصمم هستند که از انقلاب ثور در برابر دشمنان خونخوار و کثیف دفاع کنند.»

اطمینان ما به اتحاد شوروی، که دوست صمیمی ماست، روزافزون است. من از شما مدافعان عدالت و قانون می‌خواهم، تا ما در مقابل جنایات امپریالیسم و سلطه‌طلبان چینی و مزدورانشان حمایت و حفاظت کنید. ما از شما عدالت و قانونیت میخواهیم. مردم افغان امپریالیسم آمریکا و جنایاتش را علیه کشور ما هرگز فراموش نمیکند.»

(در باره باصطلاح دادگاه بین المللی استکهلم علیه افغانستان و اتحاد شوروی)

کارزار تبلیغاتی پریهاو علیه انقلاب افغانستان، که توسط رسانه‌های گروهی غرب بشدت ادامه دارد، هدفش مخفی نگه‌داشتن حقیقت است. سخن برسر جعل و تحریف حقایق، طبق یک نقشه پیش‌بینی شده است و جز این چیز دیگری نیست. حال هر قدر هم بخواهند در هیات‌های تحریریه روزنامه‌های غرب، این حقیقت را نفی کنند، واضح است که هیات‌های تحریریه این روزنامه‌ها خوب میدانند که گزارشهای آژانسهای اطلاعاتی غرب و بویژه آژانسهای آمریکا درباره افغانستان، ذره‌ای ارزش اطلاعاتی ندارند، و این فقط تبلیغات سیاست خارجی آمریکا است. لیکن داوطلبان متعصبی پیدا میشوند که بلاشرط این «اخبار» را، که منبع آن معمولا فقط سازمان «سی‌اس‌اس» است، درج میکنند.

چرا؟ برای اینکه انقلاب افغانستان، صرفنظر از مشکلات و تنگناهای بزرگ خود، یک نمونه الهام‌بخش برای کلیه خلقهای مظلوم و ستمدیده است، و همه رژیمهای دیکتاتوری و استثمارگر جهان، از این میترسند. برای امپریالیسم هیچ چیزی مخوف‌تر از انقلاب اجتماعی وجود ندارد، و بهین دلیل میکوشد که تمام‌وقایعی را که در افغانستان روی داده و میدهد، «سکوت» گذارد و واقعیات را جعل و تحریف کند. در سال ۱۹۷۵ آمریکا، آسیای جنوب شرقی را «دزدست» داد.

در سال ۱۹۷۸ ایالات متحده شروع به «دزدست‌دادن» آسیای غربی، ایران و افغانستان نمود. ایالات متحده هر منطقه‌ای را که خلقهایش به‌مبارزه در راه استقلال ملی و عدالت اجتماعی برمیخیزند، «دزدست» دادن مواضع خود، مینماید، مثل این است که واقعا حق تملک بر مناطق مختلف جهان را داشته است، و هر اندازه امپریالیسم اراضی بیشتری را «دزدست» میدهد، بهمان اندازه بیشتر دچار سردرگمی میشود. و این جنگ تبلیغاتی علیه افغانستان، که ایالات متحده در رأس آن قرار گرفته، از همین‌جا آب میخورد.

جای تاسف و مایه تکرانی است که پاره‌ای از نویسندگان و هنرمندان سوئدی و خارجی خود را در اختیار ارتجاع افراطی گذاشته‌اند و میخواهند در جنگ اعلان نشده علیه مردم افغانستان، مردمی که خواستار آزادی و استقلال هستند، در استکهلم شرکت کنند.

نمایش ناهنجار

بینه از صفحه ۱

این نیز یک حقیقت مسلم است که انقلاب برای اولین بار در تاریخ مردم افغانستان امکان داد که، بر مبنای دموکراتیک، بر سیاست و بدین طریق بر زندگی خصوصی خود نیز تاثیر بگذارند. لیکن در باینه ترجیح میدهند بگویند که کمک به این انقلاب «حاکمیت کشور و حق مردم افغانستان را در تعیین بلا مانع سرنوشت خود، نقض می‌کند». نه، همانا انقلاب اجتماعی در آوریل سال ۱۹۷۸ بود که مردم این کشور امکان داد که آزادانه سرنوشت خود را برگزینند. موفقیت‌های مردم افغانستان میتواند مایه خوشحالی کلیه افراد خیراندیش کره زمین گردد.

ولی متأسفانه اطلاعات درست و واقعی درباره تغییراتی که در افغانستان روی میدهد، بویژه با فقدان خود در جرایم غرب، از آنجمله در جرایم سوئده، انظار را بخود جلب میکند. و سازمان دهندگان «دادگاه» نیز از این فقدان استفاده میکنند. لیکن برغم تمام جعلیات اخبار گمراه‌کننده، حقیقت انکارناپذیر آنست که حاکمیت افغانستان و حقوق خلقهای آن را بخصوص پشتیبانی از خارج، که ارتجاع بین‌المللی در اختیار ضدانقلاب میکذارد، نقض میکند.

یک دروغ، دروغ دیگر را می‌آفریند، و این، بخصوص موقعی ثابت میشود که اتهام علیه اتحاد شوروی در «دادگاه» اقامه میشود.

هر گاه دلیل و برهانی برای اقدام اتحاد شوروی دایره بر نقض منشور سازمان ملل متحد و یا جنگ آن علیه مردم افغانستان و بعبارت دیگر «اتهام‌نامه‌ای» وجود میداشت، آیا «جرایم آزاد» غرب درانتشار آن درنگ میکردند، همان جرایمی که در روز روشن با جرایم دنابل این دلایل میکردند و چون پیدا نمیکند، خودشان آنها را میسازند؟ برعکس، دلایل و شواهد مستند بیشماري درست است که جنایت و تبهکاری علیه مردم بیگناه و افراد غیر نظامی را به ثبوت میرساند، جنایاتی که «چریک‌های» قس‌القلب، وحشیانه علیه زنان بی‌چادر و یا کودکانی که بمدرسه میروند، مرتکب میشوند. آنها میخواهند بر قیمتی شده افغانی‌ها را از زندگی شایسته انسانها محروم سازند.

